

## بررسی سیاست‌ها و مواضع روسیه، گرجستان، آمریکا و ایران در جنگ روسیه و گرجستان (آگوست ۲۰۰۸)

فرهاد درویشی سه‌تانی <sup>۱</sup>	تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۸/۵
مانده محمودآبادی <sup>۲</sup>	تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۹/۲۹
	صفحات مقاله: ۹ - ۴۹

### چکیده

در ۸ اوت ۲۰۰۸ همزمان با آغاز بازی‌های المپیک پکن، در منطقه‌ی ناآرام قفقاز درگیری‌های خونینی میان گرجستان و روسیه رخ داد. گرچه درگیری کوتاه و مقطعی بود و دامنه‌ای محدود داشت، ولی بازتاب جهانی یافت. بازتاب این جنگ از آن رو گسترده بود که این بار درگیری مانند دوران جنگ سرد میان دو اردوگاه شرق و غرب روی داده بود. روسیه به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای و جهانی با درگیر شدن در این جنگ خواستار نشان دادن هژمونی خود در عرصه‌ی منطقه‌ای و جهانی بود، روسیه می‌خواست نشان دهد که روزگار انفعال و سکوت در برابر غرب به پایان رسیده است و از این به بعد این کشور در پیگیری اهدافش در حوزه‌ی نفوذ سستی خود مصمم‌تر خواهد بود و به همین سادگی اجازه‌ی پیشروی غرب در این منطقه را نخواهد داد. در مقابل گرجستان که توهم حمایت بی‌حد و حصر غرب به رهبری آمریکا را در سر داشت و چنین عکس‌العملی از سوی روسیه را پیش‌بینی نمی‌کرد، در صدد بود با حمله به نیروهای روسی از دخالت‌های روسیه در مسائل داخلی‌اش جلوگیری کند و در عین حال در مقابل مناطق جدایی‌طلب از خود قاطعیت نشان دهد که با عکس‌العمل شدید روسیه روبرو شد.

نگارندگان در این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی استفاده کرده تا به برداشتی از علل، ریشه‌ها و پیامدهای جنگ میان روسیه و گرجستان دست پیدا کنند. برای بررسی تأثیرات این درگیری بر سیاست خارجی بازیگران ذینفع نیز از روش استقرایی استفاده خواهد شد تا با بررسی‌های موردی، به نتیجه‌ای کلی‌تر در زمینه‌ی تحولات و اقدامات صورت گرفته در

۱- استادیار علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

۲- کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

سیاست خارجی بازیگران ذی‌نفع دست یابند.

این مقاله علاوه بر بررسی موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منطقه‌ی قفقاز، علل، روند و پیامدهای این جنگ را در سطح منطقه‌ای و جهانی مورد بررسی قرار خواهد داد، در عین حال سیاست‌ها و مواضع روسیه، گرجستان، آمریکا و ایران در جنگ اوت ۲۰۰۸ را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد داد.

\* \* \* \* \*

### کلید واژگان:

بحران، منافع ملی، قفقاز، سیاست خارجی، ایران، روسیه، آمریکا و گرجستان

### مقدمه:

شاید به جرأت بتوان گفت که مهم‌ترین رویداد بین‌المللی پس از ۱۱ سپتامبر و سرنگونی طالبان و صدام، بحران قفقاز بود که سرانجام به جنگ محدود میان روسیه و گرجستان انجامید. اهمیت بحران قفقاز از آن رو بود که میدان زورآزمایی دو قطب قدرت رقیب شده بود و نظم کنسرتی بین‌المللی را که دو دهه بر روابط بین‌المللی سایه افکن بود، به چالش کشید. مقاله‌ی حاضر درصدد است تا با بررسی سیاست‌ها و مواضع روسیه و گرجستان، آمریکا و ایران در جنگ اوت ۲۰۰۸، نشان دهد که قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در مواجهه با تهدید منافع خویش در مناطق گوناگون جهان به چه صورت عمل می‌کنند. در واقع، این مقاله می‌تواند به‌خصوص راهنمایی برای سیاستمداران ایرانی باشد تا بدانند که در برابر تحولات منطقه‌ای یا جهانی به چه نحوی به ابراز مواضع بپردازند. مسأله‌ی کلیدی این مقاله بررسی این امر است که در جنگ روسیه و گرجستان کدام‌یک از چهار بازیگر درگیر و ذی‌نفع در آن شامل روسیه، گرجستان، آمریکا و ایران بیش از سایرین به اهداف و منافع حداکثری خویش دست پیدا کردند. در این مقاله فقط به بررسی سیاست خارجی آمریکا، روسیه، گرجستان و ایران پرداخته شده و از بررسی سیاست‌ها مواضع سایر قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی صرف‌نظر شده است.

### روش تحقیق:

نگارندگان در این نوشتار از روش توصیفی - تحلیلی استفاده کرده تا به برداشتی از علل، ریشه‌ها و پیامدهای جنگ میان روسیه و گرجستان دست پیدا کند. برای بررسی تأثیرات این درگیری بر سیاست خارجی بازیگران ذی‌نفع نیز از روش استقرایی استفاده خواهد شد تا با بررسی‌های موردی به نتیجه‌ای کلی‌تر در زمینه‌ی تحولات و اقدامات صورت گرفته در سیاست خارجی بازیگران ذی‌نفع دست یابیم.

### سؤال اصلی و فرضیه‌ی تحقیق:

مقاله‌ی حاضر بر آن است تا به طور مشخص به این پرسش پاسخ گوید که: «در جنگ روسیه و گرجستان در اگوست ۲۰۰۸، کدامیک از چهار بازیگر درگیر و ذی‌نفع در آن شامل روسیه، گرجستان، آمریکا و ایران، بیش از سایرین به اهداف و منافع حداکثری خویش دست پیدا کردند و چرا؟» در پاسخ به سؤال مذکور، فرضیه‌ی مقاله این است که: «از میان چهار کشور فدراسیون روسیه، گرجستان، آمریکا و ایران، فدراسیون روسیه بنا به دلایلی توانست بیشتر از سایر بازیگران ذی‌نفع به اهداف راهبردی خویش نائل آید که عمده‌ترین آنها عبارت بودند از: حوزه نفوذ سنتی بودن منطقه‌ی قفقاز (برای روسیه)، برتری توان رزمی روسیه نسبت به گرجستان، انفعالی برخورد کردن دولت‌ها در سطح منطقه‌ای و جهانی در برابر روسیه، عزم راسخ روسیه در اتخاذ مواضع قاطع در مورد منافع ملی خویش، دارا بودن روسیه از حق و توجیه در شورای امنیت و عدم حمایت قاطع و همه‌جانبه دول غربی از گرجستان».

### سازماندهی تحقیق:

نگارندگان در این مقاله برای اثبات فرضیه‌ی خود ابتدا به سؤالات فرعی جواب خواهند داد. به همین خاطر پس از بیان مقدمه، در بخش اول به بیان اهمیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک منطقه‌ی قفقاز و به خصوص گرجستان پرداخته خواهد شد. در بخش دوم علل، روند و پیامدهای جنگ روسیه و گرجستان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش سوم به بررسی

سیاست‌ها، مواضع و اقدامات روسیه و گرجستان در طی جنگ پرداخته خواهد شد. در بخش چهارم سیاست‌ها، مواضع و اقدامات ایران و آمریکا در طی روند جنگ به عنوان قدرت‌های مؤثر منطقه‌ای و جهانی بیان خواهد شد. بالاخره در بخش پنجم که نتیجه‌گیری مقاله محسوب می‌شود، این امر مورد بررسی خواهد بود که کدام یک از بازیگران درگیر در این جنگ یا سایر بازیگران ذی‌نفع توانستند به اهداف خویش رسیده و سیاست‌هایشان را اجرایی کنند.

#### یافته‌های تحقیق:

##### اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منطقه‌ی قفقاز:

قفقاز منطقه‌ی کوهستانی، در جنوب غربی روسیه و شمال غربی ایران واقع است که از غرب به دریای سیاه و آزروف، از جنوب غربی به ترکیه و از شرق به دریای مازندران محدود می‌شود. سلسله ارتفاعات قفقاز بزرگ، این منطقه را به دو نیمه‌ی جنوبی شامل (قفقاز جنوبی) جمهوری آذربایجان، جمهوری ارمنستان، جمهوری گرجستان و نیمه‌ی شمالی (قفقاز شمالی) شامل جمهوری‌های خودمختار فدراسیون روسیه که به ترتیب از شرق به غرب عبارت از جمهوری‌های خودمختار داغستان، چچن، اینگوش، اوستیای شمالی، کاباردبالکار، قاراجای - چرکس و آدیگه می‌باشند، تقسیم نموده است. (صدیق، ۱۳۸۳: ۴۰-۴۶) وجود ذخایر قابل توجه انرژی (نفت و گاز) در مقیاس جهانی سبب شده تا آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در نقشه‌ی ژئواستراتژیکی دنیا جای گیرند. (اولگا، ۱۳۸۲: ۲۳-۲۵)

برخی از عوامل که قفقاز را با اهمیت نموده و مورد توجه قرار داده است عبارتند از:

**الف - حلقه‌ی وصل میان قاره‌های اروپا و آسیا:** این منطقه از سمت شرق به دریای خزر، از سمت غرب به دریای سیاه، از سمت شمال به دشت‌های جنوب روسیه و از سمت جنوب به دو کشور ایران و ترکیه متصل می‌باشد.

**ب - پل ارتباطی میان شمال و جنوب و شرق و غرب:** قفقاز همواره یکی از مهم‌ترین مسیرهای ترانزیت شرق و غرب می‌باشد و پس از مطرح شدن کریدور شمال و

جنوب نیز بر اهمیت آن افزوده شده و یکی از مسیرهای ترانزیت شمال - جنوب نیز محسوب می‌شود. (امیراحمدیان، ۱۳۷۶: ۲۰-۳۵)

ج - محل تلاقی تمدن‌های بزرگ و کهن: تمدن‌های بزرگ و کهن همانند ایران، یونان، چین، عثمانی، روس و اروپایی در اطراف این منطقه حضور داشته‌اند. این عامل موجب شده که این منطقه همواره محل رقابت و تعارض قدرت‌های بزرگ گردد.

د - همسایگی جهان اسلام و جهان مسیحیت: قفقاز از سمت شرق (آن سوی دریای خزر) جنوب و جنوب غربی به سرزمین‌های اسلامی و از سمت غرب و شمال به سرزمین‌های مسیحی متصل است.

ه - یکی از مسیرهای ترانزیت نفت و گاز به اروپا: خط لوله انتقال نفت باکو - باتومی، اولین لوله‌ی انتقال نفت در روسیه است که نفت دریای خزر را به ساحل دریای سیاه منتقل می‌کند. در قفقاز دو منبع عمده‌ی استخراج و تولید گاز طبیعی وجود دارد. بخشی در قفقاز جنوبی در قره‌داغ (اطراف باکو) و دیگری در قفقاز شمالی در گروزنی. منطقه‌ی قفقاز به یک مسیر مطرح برای این خطوط تبدیل شده است و در این راستا خط لوله جدید الاحداث باکو - جیحان برای انتقال منابع جدید استخراج شده دریای خزر به ویژه آذربایجان از مسیر قفقاز در حال فعالیت می‌باشد و بنابراین، عبور نفت و گاز بر اهمیت قفقاز افزوده است. (معظمی گودرزی، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۶)

#### علل، روند و پیامدهای جنگ روسیه و گرجستان:

##### علل جنگ روسیه و گرجستان:

شدت و حدت تنش‌ها در روابط مسکو و تفلیس به ویژه پس از پیروزی انقلاب گل رز در سال ۲۰۰۳ به حدی بود که حکایت از بحرانی دائمی میان روسیه و گرجستان دارد. در این بین علی‌رغم آنکه تنش‌های متعددی میان دو کشور حاکم بوده است، با این حال باید ریشه‌ی این بحران‌ها را در روابط دو کشور و در گذشته‌ای نه چندان دور جستجو نمود. در واقع، درک بحران‌ها و تنش‌های موجود میان گرجستان و روسیه بدون فهم مناسبات گذشته و متغیرهای

گونگون در روابط این دو کشور ناممکن می‌نماید. از این رو، در بحث حاضر ضمن مرور ریشه‌های تنش میان روسیه و گرجستان، به بررسی بحران‌های موجود در روابط مسکو و تفلیس خواهیم پرداخت.

#### بحران جدایی طلبی در گرجستان:

جمهوری گرجستان مدت کوتاهی بعد از استقلال با بحران جدایی طلبی مردم منطقه‌ی آبخازیا مواجه گردید. علاوه بر منطقه‌ی آبخازیا، منطقه‌ی اوستیای جنوبی نیز با دولت مرکزی درگیری‌هایی داشته و دارد که گرجستان دست روسیه را در دامن زدن به همه این بحران‌ها مشاهده می‌کند و طبیعتاً موجب ایجاد کینه‌هایی در دل مقامات گرجی نسبت به سیاست‌های کرملین گردیده است. (نعمتی زرگران: ۱۳۸۱، ۷۹-۸۳)

#### خروج نیروهای روسیه از پایگاه‌های مستقر در گرجستان:

براساس توافقی که در قالب سازمان امنیت و همکاری اروپا بین کشورهای عضو و از جمله روسیه به عمل آمد و به پیمان کاهش نیروهای متعارف معروف است، روسیه متعهد گردید که بخشی از نیروهای خود را از پایگاه‌های روسی در کشورهای اروپای شرقی و گرجستان خارج نماید. براساس آن قرار شد روس‌ها نیروهای خود را در سریع‌ترین زمان ممکن از سه پایگاهی که در سه منطقه‌ی سوخومی، آخالکالکی و باتومی در جمهوری گرجستان در اختیار دارند، خارج نمایند. از آن زمان مذاکرات گرجی‌ها برای خارج نمودن روس‌ها از این سه پایگاه شروع شده است، که پایگاه سوخومی را تخلیه نمودند. اما در مورد تحویل دو پایگاه باقی مانده اختلافاتی بین طرفین وجود دارد، در حالی که روس‌ها ۱۲ سال فرصت می‌خواهند، گرجی‌ها زمان سه سال را برای تخلیه‌ی این پایگاه کافی می‌دانند. این اختلاف نظر علی‌رغم چند دوره مذاکره هنوز لاینحل باقی مانده است. (رحمت، ۸۷/۱۱/۱۴)

### بحران چین و حضور مبارزان چینی در گرجستان:

با روی کار آمدن پوتین که با شعار نابودی تروریست‌های چینی قدرت را به دست گرفته بود و متعاقب آن حمله‌ی وسیع ارتش روسیه به گروزی، سیل آوارگان جمهوری چین به شهرها و مناطق اطراف و از جمله جمهوری گرجستان سرازیر شد. در میان آوارگانی که وارد گرجستان شدند، تعداد زیادی از مبارزان چینی نیز حضور داشتند که همه‌ی آنها در دره‌ی معروف پانکیسی در حدود ۲۰۰ کیلومتری شمال پایتخت گرجستان سکونت داده شدند. (زارع میلجرودی و بمانا، ۱۳۸۸) استقرار این مبارزان در دره‌ی پانکیسی به معنای در اختیار گرفتن یک اهرم فشار علیه روسیه بود که هر از چند گاهی از سوی گرجی‌ها به کار می‌رود. (نعمتی زرگران، ۱۳۸۱: ۷۹-۸۳)

### تقسیم میراث شوروی:

یکی دیگر از موارد اختلاف گرجستان و روسیه، ادعایی است که مقامات گرجی نسبت به نحوه‌ی تقسیم میراث باقیمانده از شوروی دارند؛ در زمان شوروی تجهیزات و ادوات زیادی در گرجستان مستقر بود که به محض فروپاشی، این تجهیزات به روسیه انتقال داده شد، گرجی‌ها هم نسبت به این امر و هم نسبت به دارایی‌هایی که در کشورهای خارجی موجود است و روسیه آن را تصاحب نموده است، اعتراض دارند. گرجی‌ها معتقدند که روس‌ها بعد از فروپاشی صدها واگن از تسلیحات و مهمات را از گرجستان خارج نمودند؛ در حالی که بر اساس قواعد بین‌المللی تجهیزات به کار گرفته شده‌ی گرجستان در زمان شوروی متعلق به گرجستان است و روسیه حق تصاحب آنها را ندارد. (نعمتی زرگران، ۱۳۸۱: ۷۹-۸۳)

گرجستان نیز یک سری اقدامات واگرایانه انجام داده بود که عبارت بودند از:

### متحد کردن کشورهای واگرای (C.A.S) و تشکیل اتحادیه‌ی گوام:

اتحادیه‌ی گوام ابتدا با حضور کشورهای گرجستان، آذربایجان، اوکراین و مولداوی در اکتبر ۱۹۹۷ در حاشیه‌ی اجلاس سران شورای اروپا در استراسبورگ تشکیل شد و سپس در

سال ۱۹۹۹ در جریان نشست سران ناتو، ازبکستان نیز به این اتحادیه پیوست که البته اخیراً از این اتحادیه خارج شده است. اگر چه در اساسنامه‌ی این اتحادیه هیچ اشاره‌ای به سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های ضد روسی نشده است، اما بر همگان روشن است که وجه غالب و مشترک کشورهای عضو و عامل همبستگی آنها واگرایی از روسیه و مخالفت با برخی سیاست‌های روسیه بوده است، ضمن این که حمایت غربی‌ها از متشکل کردن است. (سراج، ۸۷/۷/۱۷)

#### تشکیل یک محور سیاسی - امنیتی با حضور کشورهای ترکیه و آذربایجان:

این محور که از همکاری‌های اقتصادی شروع گردیده بود، هم اکنون به همکاری‌های امنیتی کشانده شده است. موضوع خط لوله‌ی باکو - تفلیس - جیحان که به یک طرح جنجالی تبدیل شده است و قرار است به زودی کار اجرایی آن آغاز شود، یکی از مصادیق اقتصادی محور ترکیه - گرجستان و آذربایجان است. کشور ترکیه که همواره یکی از بازیگران مهم قفقاز محسوب می‌شد با اغتنام فرصت، توسعه‌ی همکاری و روابط با گرجستان را جزو اولویت‌های سیاست خارجی خود قرار داده و به رغم مشکلات اقتصادی، سالانه چند میلیون دلار کمک فنی و نظامی به این کشور ارسال می‌کند که تجهیز و مدرن‌سازی فرودگاه تفلیس و برخی پایگاه‌های نظامی دیگر از آن جمله است.

تقویت و گسترش همکاری سیاسی - امنیتی با نهادهای غربی به ویژه شورای اروپا، O.S.C.A و ناتو: در این راستا گرجی‌ها موفق شدند بعد از بروز تنش در مرز این کشور با روس‌ها، در سال ۲۰۰۰ ناظران O.S.C.A، را به منطقه‌ی مرزی با روسیه بکشانند. این ناظران در چندین مورد با گزارش‌هایی که از اوضاع مرزی روسیه و گرجستان ارائه دادند، موجب تقویت موضع گرجستان گردیده‌اند. علاوه بر این، گسترش رایزنی و تماس با ناتو باعث شده تا این کشور در قالب برنامه‌ی مشارکت برای صلح، چندین نوبت به طور مشترک با ناتو مانور نظامی برگزار نماید. (نوری‌زاد، ۸۷/۱۱/۱)



### طرح سپر دفاع موشکی:

مسأله‌ی دیگری که در سال‌های اخیر موجبات نگرانی روسیه را فراهم آورده، طرح سپر دفاع موشکی آمریکاست. مقامات آمریکایی در چند سال اخیر هدف از اجرای این طرح - که بخشی از آن شامل تأسیس یک پایگاه راداری در کشور چک و یک پایگاه موشکی در کشور لهستان می‌شود - را مقابله با موشک‌های ایران و محافظت از اروپا و سایر متحدان آمریکا اعلام نموده‌اند؛ البته ابعاد و مختصات طرح و ملاحظات جغرافیایی استقرار پایگاه‌ها نشان می‌دهد که هدف اصلی ایالات متحده از این طرح نه ایران بلکه روسیه می‌باشد. در هر صورت، روسیه از اجرای طرح سپر دفاع موشکی، به ویژه آن که در کنار مرزهایش اجرا شود، بسیار نگران است. نکته‌ی قابل توجه این است که در این میان گرجستان نیز برای میزبانی سامانه‌های سپر دفاع موشکی آمریکا اعلام آمادگی نموده است. اکنون به خوبی می‌توان دریافت که چرا از دیدگاه مقامات روسیه، مقابله با اقدامات گرجستان و تنبیه این کشور یک امر ضروری و لازم است. (بهمن، ۲۰۰۸/۴/۲۹)

### روند جنگ روسیه و گرجستان:

نگرش روسیه به قفقاز در راستای پاسداری از مرزهای جنوبی خود با گرجستان، تأمین امنیت ملی روسیه و در صورت امکان گسترش حوزه‌ی نفوذ آن است. در مقابل، گرایش غرب به قفقاز، دوستی با دولت‌ها در آن منطقه، دستیابی به منافع بیشتر، کنار گذاشتن روسیه از صحنه، دور کردن جمهوری‌های پیرامون روسیه به ویژه در قفقاز شمالی از مسکو و چه بسا تجزیه‌ی روسیه است. اگر گرجی‌ها این معادله را می‌دانستند (که بعید می‌نماید ندانسته‌اند)، یا باید از دید نظامی و استراتژیک و اقتصادی و ... بر روسیه برتری می‌داشتند (که نداشتند و ندارند) یا باید از سوی پشتیبانان غربی خود به خوبی تجهیز می‌شدند و توان خویش را افزایش می‌دادند. آنان باید می‌دانستند که روسیه هنوز یک قدرت هسته‌ای با زرادخانه‌ای جهانی است که می‌تواند چندین بار کره‌ی خاکی را زیر و رو کند. گذشته از آن، روسیه از سوی غرب بسیار تحقیر شده بود و می‌خواست توان نظامی خود را به گونه‌ای به غرب نشان

دهد، به ویژه در حوزه‌ی منافع حیاتی خود در قفقاز، این مورد نیازمند بهانه‌ای بود تا این که برخی از محافل جنگ‌طلب در دولت ساکاشویلی این بهانه را با دل بستن به پشتیبانی غرب و ناتو به روسیه دادند و با حمله به نیروهای روسی پاسدار صلح، شهر تسخینوالی مرکز اوستیای جنوبی را در عملیات برق‌آسا، البته بدون لژیستیک کافی تصرف کردند. (امیر احمدیان، ۱۳۸۱: ۴۷-۴۸) با یورش ناگهانی نیروهای گرجی به مواضع صلح‌بانان مستقر در تسخینوالی در اوت ۲۰۰۸، جنگ میان گرجستان و جدایی‌خواهان اوستی از یک سو و سربازان پاسدار صلح روسی از سوی دیگر در گرفت. گرجی‌ها در آغاز حمله، توانستند با وارد کردن تلفاتی به نیروهای پاسدار صلح و جدایی‌خواهان اوستی، تسخینوالی را بگیرند. روز بعد یگان‌های ارتش ۵۸ روسیه برای کمک به پاسداران صلح وارد منطقه شد. (امیر احمدیان، ۱۳۸۷: ۸۹) با حمله‌ی روسیه به اوستیای جنوبی و زیر آتش سنگین توپخانه و تانک‌های روسی، سربازان گرجی دست از ایستادگی کشیدند و با دادن تلفاتی ناگزیر از عقب‌نشینی شدند و تسخینوالی به دست نیروهای روسی افتاد. روسیه اعلام کرد که در پی تجاوز به گرجستان نیست و این عملیات تنها برای کمک به نیروهای پاسدار صلح روسی و شهروندان روسی ساکن اوستیای جنوبی صورت گرفته است. (نائبیان، ۱۳۸۷) عملیات سریع روسیه در اوستیای شمالی دور از انتظار گرجی‌ها بود و ارتش گرجستان هرگز نمی‌پنداشت که روسیه چنین واکنش سختی از خود نشان دهد. این نکته نشان‌دهنده‌ی اشتباه گرجستان در پیش‌بینی ضدحمله‌ی روس‌ها بود.

#### دستیابی به صلح (طرح سارکوزی):

پس از درگیر شدن گرجستان با روسیه، اتحادیه‌ی اروپا که از گرجستان پشتیبانی می‌کرد، دست به تلاش‌های گسترده‌ای زد. طرح شش ماده‌ای سارکوزی رئیس جمهوری فرانسه و رئیس دوره‌ای اتحادیه‌ی اروپا نشان‌دهنده‌ی عزم راسخ اروپا به وارد شدن در بحران گرجستان بود. در دیدار رئیس جمهوری فرانسه از مسکو، رهبران دو کشور در اعلامیه‌ای اصول زیر برای حل مناقشه را اعلام و طرف‌های درگیر را به رعایت آن فرا خواندند:

۱- خودداری از به کار گرفتن نیروهای نظامی؛

۲- توقف همه‌ی اقدامات نظامی؛

۳- دسترسی آزاد به کمک‌های بشردوستانه؛

۴- بازگشت نیروهای مسلح گرجستان، به مقر دائم خود؛

۵- بازگشت نیروهای مسلح فدراسیون روسیه به جایی که پیش از آغاز عملیات نظامی در آنجا بوده‌اند؛

۶- آغاز بررسی‌های بین‌المللی درباره‌ی آینده‌ی اوستیای جنوبی و آبخازی و راه‌های تأمین امنیت پایدار برای آنها.

رئیس جمهوری فرانسه، در هشتم سپتامبر (۱۸ شهریور) درست یک ماه پس از جنگ میان روسیه و گرجستان، همراه خاویر سولانا مسئول سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه‌ی اروپا و هم‌چنین خوزه مانوئل باروسو رئیس کمیسیون اروپایی به مسکو رفت و پس از دیدار با مدودف راهی گرجستان شد تا با میخائیل ساکاشویلی گفتگو کند. (اعتماد ملی، ۸۷/۵/۱۹) پس از آنکه که دولت فرانسه پیشنهاد صلحی را به دو طرف درگیری‌ها پیشنهاد کرد، میخائیل ساکاشویلی، رئیس جمهور گرجستان اعلام کرد که او این طرح آتش‌بس را امضا کرده است. علاوه بر این، روسیه نیز قرار داد صلح پیشنهادی فرانسه را برای صلح با گرجستان امضا کرد. پس از رسیدن به صلحی ناپایدار و پایان درگیری‌ها، دیمتری مدودف در نطقی تلویزیونی، استقلال جمهوری‌های اوستیای جنوبی و آبخازیا را به رسمیت شناخت. دوامی روسیه نیز پس از این سخنان مدودف، رأی به استقلال این دو منطقه داد. روسیه هم‌چنین اعلام کرد که به این دو منطقه کمک نظامی خواهد کرد. (روزنامه حیات نو، ۲۸/۸۷/۷) ولی استقلال این مناطق مورد شناسایی رسمی جهانی قرار نگرفت و روسیه در این عرصه از حمایت جهانی برخوردار نشد. سرانجام نیز روسیه در تاریخ ۱۰ اکتبر کلیه‌ی نیروهای حافظ صلح روسی را از گرجستان خارج کرد. (خبرگزاری فارس، ۸۷/۵/۲۴) در واقع، روسیه با توجه به فشارهای بین‌المللی که متوجه این کشور شده بود، چاره‌ای جز خروج هر چه سریع‌تر از گرجستان را نداشت و حضور طولانی مدت هزینه‌های سنگینی را بر این کشور تحمیل می‌کرد.

### پیامدهای جنگ روسیه و گرجستان:

جنگ میان روسیه و گرجستان تبعات گوناگونی در عرصه‌ی منطقه‌ای و جهانی به دنبال داشته است؛ در این بخش به بررسی تبعات این جنگ در عرصه‌ی منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته خواهد شد.

### آثار منطقه‌ای جنگ:

تحولات منطقه‌ی قفقاز به دلیل موقعیت حساس جغرافیایی این منطقه همواره مورد توجه دولت‌های منطقه‌ای بوده است. در جریان جنگ بین روسیه و گرجستان دولت‌های منطقه‌ای نیز به ابراز مواضع پرداختند و البته این جنگ تبعات مهمی نیز در عرصه‌ی منطقه‌ای به دنبال داشت که در ذیل به صورت خلاصه ذکر خواهد شد:

۱- در سطح منطقه‌ای، اقدام روسیه در پشتیبانی از جدایی‌خواهی می‌تواند دیگر مناطق خودمختار و جدایی‌خواه در آسیای مرکزی و قفقاز را بشوراند و منطقه را با دور تازه‌ای از بحران رو به رو کند.

۲- هم‌چنین دخالت نظامی گسترده‌ی روسیه در گرجستان می‌تواند دو پیامد فوری برای کشورهای منطقه داشته باشد؛ از یک سو ممکن است ترس شدید از اقدامات تلافی‌جویانه‌ی روسیه سبب شود که کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از پیوستن به ساختارهای یورو آتلانتیکی خودداری کنند که در این صورت یکی از مهم‌ترین هدف‌های روسیه که همانا بهره‌گیری از دخالت نظامی در گرجستان برای بازدارندگی دیگر کشورهای منطقه است، تحقق خواهد یافت. از سوی دیگر امکان دارد که دخالت نظامی روسیه به هراس این کشورها از سلطه‌ی دوباره‌ی روس‌ها دامن زند و روند پیوستن این کشورها به ساختارهای سیاسی و امنیتی غرب یعنی اتحادیه‌ی اروپا و ناتو را شتاب بخشد. گذر زمان و چگونگی پیشرفت دگرگونی‌های منطقه می‌تواند امکان اجرای هر یک از دو سناریوی یاد شده را بهتر نشان دهد. (گوزه گر کالجی، ۱۳۸۷: ۷۴-۸۸)

۳- یکی از پیامدهای مهم این بحران این امر است که در کشورهای هم‌پیمان آمریکا به نوعی تردید نسبت به این کشور ایجاد شد. کشورهای هم‌پیمان آمریکا فکر می‌کردند که دیگر دشمن بزرگی در دنیا نخواهند داشت و اگر هم کشوری به آنها حمله کند، آمریکا از آنها حمایت خواهد کرد؛ اما حمله‌ی اخیر روسیه به گرجستان و عدم کمک آمریکا به گرجستان نشان داد که مقامات ارشد تفلیس خیال‌های پوچی را در مورد کمک‌های نظامی آمریکا داشته‌اند. اگر جنگ بین روسیه و گرجستان را تقابل روسیه و آمریکا در نظر بگیریم، باید گفت که برنده‌ی اصلی این میدان روسیه بود. این پیروزی برخی از کشورهای وابسته به آمریکا در منطقه را با ترس و واهمه رو به رو کرد؛ چرا که در این جنگ آمریکا آن طور که مورد انتظار گرجستان بود، از این کشور حمایت نکرد. (حسین‌زاده، ۸۷/۶/۱۲)

۴- از سوی دیگر، اقدام گرجستان در حمله‌ی نظامی به اوستیای جنوبی به منظور جلوگیری از استقلال‌طلبی بیش از هر چیز کمک به استقلال این جمهوری‌ها بود، اگر تا قبل از این بحران، ۹۰ درصد امید به حل این مسأله بود، با وقوع این جنگ این ۹۰ درصد به ۱ درصد تنزل پیدا کرد. از این پس روسیه به عنوان مانع جدی در برابر گرجستان برای بازگرداندن این مناطق به قلمرو گرجستان خواهد بود. (بیات، ۱۳۸۷)

۵- این درگیری باعث فراهم شدن بهانه برای ادامه حضور روسیه در گرجستان شد. یکی از اختلافاتی که گرجستان با روسیه داشت حضور پایگاه‌های نظامی روسیه در این کشور بود که با انقلاب مخملی در این کشور، ساکاشویلی خواستار تخلیه‌ی این پایگاه‌ها از سوی روسیه شد. رهبران جدید گرجستان که آشکارا رویکرد و سیاستی روس‌ستیزانه دارند، از اوان به قدرت رسیدن، خواستار تسریع در تخلیه‌ی این پایگاه‌ها شدند و نهایتاً در بهار ۲۰۰۷ موفق به بیرون راندن نیروهای نظامی روسیه و تخلیه‌ی کامل پایگاه نظامی مسکو در آخالکلاکی شدند. با اینحال روس‌ها همچنان در اوستیای جنوبی و آبخازیا دو پایگاه نظامی دائر دارند که بر اساس توافقات انجام شده باید تا پایان سال ۲۰۰۸ تخلیه و تحویل گرجی‌ها می‌گردید. اهمال روس‌ها در ترک این پایگاه‌ها، یکی دیگر از موجبات نارضایتی مقامات گرجی از رهبران روسیه و

- تشدید تنش و اختلافات این دو کشور است که وجود تنش در این منطقه این بهانه را برای روس‌ها مهیا می‌کند تا به حضور خود در اوستیا ادامه بدهند. (امیدی، ۱۳۸۷)
- ۶- علاوه بر این، برخی از کارشناسان این جنگ را نوعی پیروزی برای روسیه به حساب نمی‌آورند و معتقدند، اول این که روسیه نباید علیه گرجستان به عنوان کشوری مستقل در جامعه‌ی بین‌المللی به اقدام نظامی متوسل می‌شد و دوم این که این کشور نباید بدون کسب موافقت شورای فدراسیون و دوما به این اقدام عجولانه اقدام می‌کرد. به همین ملاحظه، اقدام نظامی روسیه در قفقاز جنوبی بدون شک بین کشورهای منطقه‌ی خارج نزدیک نوعی سردی، بیگانگی و عدم اعتماد به جاه‌طلبی‌های آتی روسیه را در پی داشت و این امر به عقیده‌ی کارشناسان کاملاً طبیعی است. (رحمت، ۸۷/۱۱/۱۴)
- ۷- اقدام نظامی روسیه در خاک گرجستان، هم‌چنین باعث بروز نگرانی‌هایی در کشورهای آسیای مرکزی شد، که مبدا روزی سرنوشت گرجی‌ها در مورد آنها نیز تکرار شود.
- ۸- رویدادهای اخیر در گرجستان نشان داد که روسیه می‌تواند علیه هر یک از کشورهای حاضر در خارج نزدیک خود، به اقدام تهاجمی متوسل شود و به نظر می‌رسد که سیاست‌مداران منطقه این گونه نتیجه خواهند گرفت که باید به بطور جدی در نوع رابطه‌ی خود با روسیه تجدید نظر کنند. در واقع، این جنگ با این که منافع کوتاه مدت و بلند مدت فراوانی برای روسیه داشت، ولی چنین تبعات منفی را نیز در بلند مدت می‌تواند برای روسیه به دنبال داشته باشد.

#### آثار بین‌المللی جنگ:

منطقه‌ی قفقاز به دلیل موقعیت حساس جغرافیایی خود و اهمیتی که به ویژه از جهت موقعیت ارتباطی و تأمین انرژی دارد، همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی بوده است و تحولات این منطقه واکنش‌های جهانی را به دنبال داشته است. در این بخش تبعات جهانی جنگ میان روسیه و گرجستان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- قطع نظر از مسائل مهمی نظیر علل و انگیزه‌های دخیل در تولید بحران گرجستان، این واقعه موجب شد تا قدرت‌هایی چون آمریکا، روسیه و اتحادیه‌ی اروپا که تا پیش از این در پس نقاب به گفتگو و مراوده با یکدیگر پرداخته و نگرانی‌های پنهان خود را نیز عیان نمی‌ساختند، این بار در چهره‌های طبیعی و واقعی خود ظاهر شده و عملاً و علناً زبان تهدید را علیه یکدیگر بگشایند. بحران گرجستان نقطه‌ی عطفی در سیستم بین‌المللی بود. این نقطه عطف، ظرفیت ایجاد تغییرات تدریجی ولی مهم و اثرگذار در مناسبات جهانی را نشان داد. هرچند که بازگشت به جنگ سرد، امکان‌پذیر نیست، ولی شکافی بین روسیه و آمریکا ایجاد شده است و نقطه و محل تلاقی آن، بحران گرجستان بود که سایه‌ی آن بر سیستم بین‌المللی افکنده خواهد شد. (سجادپور، ۱۳۸۷)

۲- از سوی دیگر، اروپا بار دیگر از سوی مرزهای خاوری خود احساس خطر کرد. همکاری اقتصادی و فنی اروپا که با هدف ملایم کردن و سوق دادن آن کشور به سوی همکاری سیاسی و حفظ ثبات طراحی شده بود، تنها اشتباهی روسیه را برای افزایش اعتبار در صحنه‌ی جهانی و در نتیجه به دست آوردن امتیازهای سیاسی، نظامی و اقتصادی تحریک کرد. از این رو، می‌توان انتظار داشت که اروپا، تکیه به نیروی نظامی آمریکا را کافی ندانسته و در راه تقویت نیروی نظامی خود گام بردارد. اروپا دیگر نمی‌تواند تنها بر حسن نیت رهبران روسیه که در درازای تاریخ، توسعه طلب بوده، حساب کند. اجرای برنامه‌ی دفاع موشکی مستقر در اروپا، به احتمال زیاد با سرعت و تعهد بیشتر پیش خواهد رفت و از سطح همکاری اقتصادی، نوسازی صنایع و انتقال شگردشناسی نوین به روسیه کاسته خواهد شد. (یزدی، ۱۳۸۷) می‌توان در ارتباط با بحران گرجستان و واکنش اتحادیه‌ی اروپا در قالب نشست اضطراری سران اروپا دو پیامد مهم علاوه بر مدلولات یاد شده را نیز برشمرد. نخست، بحران گرجستان در دراز مدت سبب تقویت رویکرد حمایتی اتحادیه‌ی اروپا از دو کشور گرجستان و اوکراین، به ویژه در خصوص توسعه‌ی همکاری‌های اقتصادی و سیاسی با این دو کشور، خواهد شد. دوم و شاید مهم‌ترین پیامد این بحران، گرایش جدی اتحادیه‌ی اروپا به سمت تجدیدنظر در سیاست انرژی خود باشد. از نظر

تحلیل‌گران بین‌المللی، تلاش اروپا در این بازنگری به طور جدی حول دومحور خواهد بود: ۱- **ایجاد ناتوی انرژی**: طبق این ایده، اتحادیه‌ی اروپا اقدام به ذخیره‌سازی نفت و گاز خواهد نمود تا در صورت تهدید یا اقدام روسیه به قطع انرژی به یکی از اعضا - هم‌چنان که این اتفاق در مورد اوکراین غیر عضو اما معبر انرژی به اروپا در ژانویه‌ی ۲۰۰۷ رخ داد - سایر کشورهای عضو اتحادیه با استفاده از منابع ذخیره‌شده به یاری آن کشور خواهند شتافت. ۲- **تنوع بخشی به منابع تأمین‌کننده‌ی انرژی**: به دنبال تشدید بی‌اعتمادی دول اروپایی به پایداری روابط انرژی با روسیه، این دولت‌ها سعی مضاعف و برگشت‌ناپذیری را برای پیدا کردن منابع تأمین‌کننده‌ی انرژی، جهت کمینه کردن اتکای خود به انرژی وارداتی از روسیه آغاز نموده‌اند. (کیانی و خارقانی، ۱۳۸۷)

۳- این بحران باعث تحول در ساختار نظام بین‌الملل شد و نظم جهانی را با تحولاتی روبرو کرد. با اعلام نظم نوین جهانی از سوی آمریکا، تئوریسین‌های آمریکایی از «پایان تاریخ» سخن گفتند یا برای جلوگیری از «جنگ تمدن‌ها» چاره‌اندیشی کردند. با وقوع حوادثی چون ۱۱ سپتامبر موجی از مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی به راه افتاد و در پی آن دو رژیم طالبان در افغانستان و صدام در عراق سرنگون شدند. در همان دوران سیاستمداران آمریکایی چنین استدلال می‌کردند که جهان شبیه یک سوپرمارکت بزرگ است و مسئولیت برقراری امنیت آن به ارتش آمریکا سپرده شده است. اما جنگ اخیر گرجستان نشان داد که این «پلیس جهانی» قدرت و کارایی پیشین خود را از دست داده است یا حداقل این که «محدودیت‌هایی» وجود دارد که این پلیس جهانی قادر به عبور از آنها نخواهد بود. شاید گرجی‌ها نیز به تصور همین «نظم نوین جهانی» و با اتکا به پشتیبانی همین «پلیس جهانی» بود که به اوستیای جنوبی لشکر کشیدند، اما نه تنها این حمله موفقیتی را برای آنها به همراه نداشت، بلکه با ضد حمله حساب شده روسیه و بی‌حرکی آمریکا و ضعف مجموع کشورهای غربی مواجه شد و نیروهای گرجستان متحمل شکست سختی و مجبور به عقب‌نشینی شدند. قدرت‌نمایی روسیه در این تحول و لشگرکشی تا پشت دیوارهای



تفلیس نشان داد ورود به حیاط خلوت روس‌ها می‌تواند واکنش سختی رادر پی داشته باشد. هم‌چنین تردستی روس‌ها و دادن پاسخ‌های درشت به حامی گرجستان یعنی آمریکا و درخواست‌های مکرر برای «رفتن ساکاشویلی» یا «محاکمه او» به جرم جنایت جنگی، نوعی قدرت‌نمایی مسکو را به نمایش گذاشت که بی‌اختیار دوران جهان دو قطبی یا جنگ سرد را تداعی می‌کند. این قدرت‌نمایی اگر امتداد داشته باشد، باید انتظار آن را داشت که روسیه به عنوان یک بازیگر جدید و فعال در عرصه‌ی بین‌المللی حضور داشته باشد و این امر برای تمام جهان و از جمله منطقه‌ی خاورمیانه و ایران حائز اهمیت خواهد بود.

در واقع، تغییر در نظام یک جانبه‌گرای دستوری و تبدیل شدن به نظام چند جانبه‌گرا از تبعات این بحران بود. (سجادپور، ۱۳۸۷)

#### سیاست‌ها و مواضع روسیه و گرجستان در جنگ روسیه و گرجستان:

##### سیاست‌ها و مواضع روسیه

روسیه به عنوان بزرگ‌ترین کشور جهان، کشوری که رقیب اصلی آمریکا در عرصه‌ی جهانی محسوب می‌شود، در آگوست ۲۰۰۸ درگیر نبردی با گرجستان شد که آگاهی از چگونگی موضع‌گیری روسیه طی این نبرد ما را در تبیین سیاست‌های آتی روسیه در مسائل منطقه‌ای و جهانی یاری خواهد کرد. در این بخش سیاست‌ها و مواضع روسیه در جریان جنگ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به لحاظ سنتی روسیه هم‌چون متحدان دیرینه‌اش، اوستیایی‌ها را نیز به چشم متحد خود می‌نگرد. اگر چه روسیه قبل از تحولات اخیر رسماً استقلال اوستیای جنوبی را به رسمیت نمی‌شناخت، اما هم‌چنان ارتباط تنگاتنگ خود را به صورت دو فاکتو با رهبری سیاسی این منطقه حفظ کرده بود. همان طوری که گرجستان به دنبال انقلاب سرخ در پی تغییر رابطه‌اش با غرب برآمد، روسیه نیز حضور نظامی و اقتصادی خود را در اوستیای جنوبی به عنوان یک اهرم مهم نفوذ علیه دولت میخائیل ساکاشویلی تلقی می‌کرد.

روسیه همواره در پاسخ حرکت‌های گرجستان به دنبال برنامه‌های زیر بود:

۱- جلوگیری از آغاز خصومت‌ها در اوستیای جنوبی و آبخازیا و دوری از درگیری مستقیم و آغاز جنگ با گرجستان؛

۲- تضعیف حمایت عمومی مردم گرجستان از دولت ساکاشویلی در میان مدت؛

۳- دور کردن گرجستان از پیوستن به ناتو و بازگشت گرجستان به حوزه‌ی سنتی نفوذ روسیه در طولانی مدت. (اولگا، ۱۳۸۲: ۷۰-۶۸)

با تشدید کشمکش‌ها میان تفلیس و تسخینوالی، رهبران گرجستان تصمیم گرفتند با توسل به زور، به موضوع جدایی‌طلبی در این جمهوری برای همیشه پایان داده و از این طریق به آبخازیا و آجاریا نیز در خصوص تکرار چنین رفتارهایی هشدار دهند. این تصمیم با تهاجم نظامی گرجستان به اوستیای جنوبی در ۸ اوت ۲۰۰۸ صورت عملی به خود گرفت. هرچند تفلیس این اقدام را موضوعی داخلی و تلاشی قانونی برای تثبیت حاکمیت و اعاده‌ی نظم بر قلمرو سرزمینی‌اش عنوان کرد، اما همان‌طور که انتظار می‌رفت روسیه اهرم‌های سیاسی و نظامی خود را در ظاهر برای حمایت از غیرنظامیان و در حقیقت برای حفظ منافع خود به کار گرفت و به این ترتیب جنگ ابعاد منطقه‌ای یافت. در طی درگیری‌ها مسکو به محکوم کردن گرجستان پرداخت و اقدام خویش را کاملاً قانونی قلمداد می‌کرد. ساکاشویلی ورود نیروهای روسیه و حمله‌ی جنگنده‌های این کشور به گرجستان را «تهاجمی وحشیانه و غیرموجه» توصیف کرد، اما مدودف این اقدام را تلاش برای محافظت از غیرنظامیان و نیروهای پاسدار صلح روس عنوان و با اشاره به اینکه: «مسکو تمام تلاش‌های خود را برای متوقف کردن خشونت‌ها به‌کار خواهد بست»، مأموریت این نیروها را خاتمه دادن به درگیری‌ها عنوان کرد. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه‌ی روسیه، در جریان درگیری‌ها خطاب به گرجی‌ها اعلام کرد که درگیری‌هایی که در اوستیای جنوبی به وقوع پیوسته است، حدود ۱۵۰۰ غیر نظامی کشته شده‌اند.

وی به گرجستان هشدار داد که از اقدامات تلافی‌جویانه‌ی مسکو در امان نخواهد بود. وزیر امور خارجه‌ی روسیه در عین حال، در پاسخ به ادعاهای تفلیس به بمباران نیروهای گرجستان از سوی ارتش روسیه بیان داشت که واحدهای گرجی ابتدا اقدام به بمباران صلح‌بانان روسی و

غیرنظامیان کردند، طبیعی است که در چنین شرایطی امکان افزایش تضادهای امنیتی، بحرانی و شدت فضای ژئوپلیتیکی در قفقاز ایجاد کند. روسیه در صدد بر آمد تا از ابزارهای نظامی برای حداکثرسازی کنترل منطقه‌ای استفاده نماید. به طور کلی باید تأکید داشت که بحران اوستیای جنوبی را حکومت گرجستان شروع نمود. این امر از سوی ساختار اطلاعاتی - امنیتی کشورهای آمریکا و رژیم صهیونیستی سازماندهی شده بود. کشور آمریکا نیازمند پیروزی امنیتی در حوزه‌های ژئوپلیتیکی می‌باشد. چنین مطلوبیتی را اقدام نظامی گرجستان برای آمریکا به وجود آورد. به همین دلیل بود که مقامات روسیه، رهبران گرجستان را محکوم نمودند. سرگئی لاوروف، ناتو را به جانب‌داری و تلاش برای نجات رژیم جنایتکار تفلیس متهم کرد. وی تصریح کرد کشورش در حال اشغال گرجستان نیست و برنامه‌ای برای انضمام منطقه‌ی جدایی‌طلب اوستیای جنوبی به خاک خود ندارد. (رشاد، ۱۳۸۷: ۳۶-۳۷) به عبارت دیگر، کشورهای عضو ناتو نیز از جمله حامیان راهبردی آمریکا محسوب می‌شوند. آنان برای کنترل بحران منطقه‌ای قفقاز، فشارهای سیاسی فراگیری را علیه روسیه به وجود آوردند.

روسیه در جریان جنگ همواره به محکوم کردن گرجستان پرداخت و حمایت از مردم جدایی‌طلب را حق طبیعی خود می‌دانست. دمیتری مدودف رئیس جمهوری فدراسیون روسیه در ۱۸ مرداد ۱۳۸۷ (۹ اوت ۲۰۰۸) یک روز پس از حمله‌ی گرجستان به اوستیا هشدار داد که روسیه نمی‌گذارد شهروندان بیگناهِش در اوستیای جنوبی کشته شوند و گناهکاران به کیفر خواهند رسید. وی در نشست اضطراری شورای امنیت فدراسیون روسیه در کرملین گفت: «به عنوان رئیس جمهوری، متعهد به دفاع از جان و ارزش‌های شهروندان روسیه هستم، هر کجا که باشند». وی اعلام کرد: «گرجستان به مردمان بی‌گناه و پاسداران صلح روسی در اوستیای جنوبی حمله کرده است. پاسداران صلح گرجستان به سوی پاسداران صلح روسیه تیراندازی کرده اند، در صورتی که می‌بایست همراه آنان مأموریت خود را انجام دهند و پاسدار صلح باشند». مدودف افزود که: «اقدامات گرجستان نقض فاحش حقوق بین‌الملل است». رئیس جمهوری فدراسیون روسیه گفت: «حضور نیروهای روسی در خاک گرجستان قانونی بوده و هست و آنها به مأموریت خود یعنی پاسداری از صلح بر پایه توافق‌های بین‌المللی عمل

می‌کنند ... روسیه وظیفه‌ی اصلی خود را حفظ صلح در منطقه‌ی درگیری گرجستان - اوستیا می‌داند». (امیراحمدیان، ۱۳۸۷: ۴۸-۵۰) روسیه، آمریکا را نیز از دخالت در مسائل این منطقه باز می‌داشت و این درگیری را صرفاً مسأله‌ای منطقه‌ای می‌دانست. (بهمن، ۲۰۰۸/۴/۲۹) او رویدادهای ۱۱ سپتامبر در آمریکا را با اقدام نظامی گرجستان در اوستیای جنوبی در ۸ اوت برابر دانست که در جریان آن پایتخت این جمهوری ویران شد و صدها تن جان باختند. مدودف گفت: «جهان خواستار بر پا شدن یک نظام تازه‌ی امنیتی است تا در برابر اقدامات تجاوزکارانه‌ی رژیم‌هایی چون رژیم ساکاشویلی بیمه شود ... بحران قفقاز ناکارایی نظام کنونی جهان تک قطبی را نشان داد .... جهان باید به نظام خوب حقوق بین‌المللی که در سده‌ی ۲۰ میلادی بر پا شده بود، باز گردد .... این نظام نباید در سده‌ی ۲۱ از میان برود». (روزنامه جوان، ۸۷/۷/۲) دخالت نظامی گسترده‌ی روسیه در اوستیای جنوبی نه تنها نشانه‌ی حضور دوباره‌ی روس‌ها در حوزه‌ی ژئوپلیتیک قفقاز است، بلکه مکانیسمی بازدارنده و هشدار جدی به کشورهای منطقه برای بازنگری در گرایش‌های ضد روسی‌شان شمرده می‌شود. در حقیقت، رویارویی نظامی روسیه و گرجستان تنها بخشی از یک رویارویی ژئوپلیتیکی تازه بود که ابعاد آن در آینده روشن‌تر و برجسته‌تر خواهد شد.

#### سیاست‌ها و مواضع گرجستان:

گرجستان یکی از سه کشور منطقه‌ی قفقاز جنوبی است. تحولات این کشور به دلیل اهمیتی که برای غرب و به خصوص آمریکا به عنوان مسیر جایگزین انتقال انرژی در برابر روسیه و هم‌چنین مکانی برای استقرار سامانه‌ی دفاع موشکی دارد، همواره با حساسیت خاصی دنبال می‌شود و در واقع آمریکا در صدد است از این کشور به عنوان اهرم فشار به روسیه استفاده کند و در مقابل، روسیه نیز با عنوان کردن این منطقه به عنوان حوزه‌ی نفوذ سنتی خود با هرگونه حضور نیروهای خارجی و نزدیکی گرجستان به ساختارهای غربی مخالفت می‌کند. در این بخش به اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک گرجستان پرداخته خواهد شد.

گرجستان در جریان جنگ با روسیه، حمله به اوستیای جنوبی و آبخازیا را مسأله‌ی داخلی خود می‌دانست و اعزام ارتش به این مناطق را حق طبیعی خود بر می‌شمرد و دخالت روسیه در این منطقه را تجاوز تلقی می‌کرد. اهداف گرجستان در مناطق جدایی طلب را می‌توان به طور خلاصه این گونه بیان کرد:

- ۱- تثبیت حمایت عمومی از دولت ساکاشویلی در کوتاه مدت؛
- ۲- هموار کردن راه برای عضویت در ناتو در میان مدت؛
- ۳- ایجاد شرایط برای احیای یکپارچگی سرزمینی گرجستان در مرزهایش در طولانی مدت. (همشهری دیپلماتیک، ۱۳۸۷: ۵۳)

رقابت روسیه و آمریکا، سرانجام به رویارویی روسیه و گرجستان انجامید و کشوری کوچک و ناتوان، با پشتگرمی از آمریکا و اروپا، این جرأت را یافت که پذیرای درگیری نظامی با بازیگری قدرتمند و اثرگذار در محیط منطقه‌ای و جهانی شود. گرجستان بر این گمان بود که اگر جمهوری کوچک چین در همسایگی گرجستان و در چارچوب فدراسیون روسیه می‌تواند مسکو را ناتوان سازد، گرجستان با پشتیبانی غرب بسی بیشتر خواهد توانست در این زمینه خودنمایی کند. گرجستان امیدوار بود که با حمله به اوستیای جنوبی بتواند یک شبه این منطقه را بگیرد و روسیه را وادار به عقب‌نشینی کند، ولی با پاتک سنگین روسیه روبرو شد؛ چیزی که نه تغلیس انتظار آن را داشت، نه در معادلات استراتژیک غرب به آن اندیشیده بودند. (امیراحمدیان، ۱۳۸۷: ۴۶)

در جریان درگیری‌ها، ساکاشویلی رئیس جمهوری گرجستان اقدام روسیه در حمله به گرجستان را اقدامی تجاوزکارانه تلقی کرده و همواره از جامعه‌ی جهانی خواستار محکوم نمودن روسیه بود. وی در ۳ سپتامبر ۲۰۰۸ در نشستی با خبرنگاران مواضع رسمی دولت خود را بیان کرد. ساکاشویلی در این نشست در محکومیت اقدام روسیه اظهار داشت: «با تجاوز نظامی گسترده روسیه که در جریان آن بخش مهمی از قلمروی گرجستان را اشغال کرده و در آنجا دست به پاکسازی قومی زده است، کوشش‌های دولت روسیه برای گمراه کردن جامعه‌ی بین‌المللی و ملت روسیه و توجیه کارهای غیرقانونی خود در گرجستان، کسی را شگفت‌زده

نکرده است». ساکاشویلی درگیر شدن کشورش در این جنگ را یک واکنش طبیعی در برابر اقدام روسیه تلقی می‌کرد و روسیه را متجاوز می‌نامید. وی در این باره طی بیاناتی اظهار داشت که: «این مسأله که چرا گرجستان دستور عملیات نظامی را صادر کرد، کم‌رنگ‌تر شده است، زیرا توپخانه‌های روسیه روستاهای تحت حاکمیت ما را بمباران کردند. در واقع این اقدام آنها همین واکنش را می‌طلبید. در حال حاضر مسأله‌ای که بیشتر باید روی آن تمرکز کنند این است که کدام رهبر دموکراتیک هنگام مواجه شدن با چنین وضعیتی می‌تواند به نحو دیگری عمل کند؟ در حالی که مردم مناطق وابسته و تحت حاکمیتش را قتل‌عام و به سرزمین‌های خود مختارش تجاوز می‌کنند. فراموش نکنید که اوستیای جنوبی و آبخازیا به هیچ‌وجه دو منطقه‌ی بی‌طرف نیستند. آنها از لحاظ بین‌المللی نیز بخشی از گرجستان شناخته شده‌اند و حتی بخش‌های اطراف این مناطق نیز پیش از تهاجم روسیه تحت کنترل گرجستان بودند. ما فقط برای دفع حملات بیگانگان وارد جنگ شدیم و در خاک خودمان جنگیدیم. گرجستان هرگز پا را فراتر از سرزمین‌های تحت حاکمیت خودش نگذاشته است. دولت من همواره از جامعه‌ی بین‌الملل می‌خواهد که یک سری تحقیقات مستقل و کاملاً بی‌طرف برای مشخص کردن آغازگر این جنگ انجام دهد». وی ورود به این جنگ را اقدامی کاملاً طبیعی در جهت منافع کشورش تلقی می‌کرد. (ساکاشویلی، ۸۷/۹/۱۶)

با این که گرجستان همواره اقدام روسیه را در به رسمیت شناختن استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا محکوم کرده است و این مناطق را جزو قلمروی خود می‌داند، ولی به دلیل عدم حمایت قاطع بین‌المللی (به خصوص آمریکا) از این کشور و اوضاع نابسامان گرجستان بعد از جنگ با روسیه و نیاز به عنوان یک قدرت تأثیرگذار منطقه‌ای و جهانی که در همسایگی‌اش قرار دارد و به شدت در تحولات داخلی این کشور مؤثر است، همواره خواستار عادی شدن روابط با روسیه شده است و به نوعی مسأله‌ی استقلال‌طلبی مناطقی از این کشور، به دلیل اوضاع داخلی نامساعد و احتمال تغییرات اساسی در این کشور در حالت فریز قرار گرفته است.

ساکاشویلی در این باره می‌گوید: «برای پاسخ دادن به سیاست‌های پوتین و ملودوف به انزوا کشاندن مسکو راه حل قطعی نیست، بلکه باید با ادامه تعامل‌های مثبت با روسیه از رهبران کاخ

کرملین بخواهیم تا با احترام به تعهدات خود در مفاد آتش‌بس با عقب‌نشینی از تمامی مناطق گرجستان مواضع خود را به شرایط پیش از جنگ ماه آگوست برگرداند. ما همگی امیدواریم که روسیه در آینده‌ای نزدیک به عنوان شریکی تمام‌عیار به جامعه‌ی بین‌الملل بپیوندد و این بزرگ‌ترین همکاری روسیه برای بازگشت ثبات به گرجستان است». (ساکاشویلی، ۸۷/۹/۱۶)

در واقع، از زمان استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا، گرجستان نتوانسته هیچ‌گونه دخالتی در مسائل داخلی این مناطق انجام دهد و این مناطق هر کدام مسیری متفاوت برای تحکیم استقلال خویش تحت حمایت روسیه در پیش گرفته‌اند، با این که استقلال آنها مورد شناسایی بین‌المللی قرار نگرفته است.

#### سیاست‌ها و مواضع ایران و آمریکا در جریان جنگ روسیه و گرجستان:

##### سیاست‌ها و مواضع ایران:

تحولات منطقه‌ای قفقاز می‌تواند تأثیرات امنیتی مستقیم بر شرایط سیاسی ایران به جا گذارد. لازم به توضیح است که بخش عمده‌ای از مردم اوستیای جنوبی و هم‌چنین اوستیای شمالی ایرانی هستند، اما موضوع ملیت و هویت آنان هیچ‌گاه در رسانه‌های ایرانی مورد توجه قرار نگرفته است. علت آن را می‌توان بازی گروه‌های جدایی‌طلب اوستیا با کارت امنیتی روسیه دانست.

بدون شک مقامات روسیه تمایل چندانی به همکاری گروه‌های اوستیایی با ایران ندارند. انجام چنین اقداماتی منجر به گسترش نقش‌آفرینی و بازی‌سازی ایران در حوزه‌ی قفقاز می‌شود. راهبرد روسیه را می‌توان محدودسازی قابلیت تحرک ایران در حوزه‌ی منطقه‌ی قفقاز دانست. اگر فضای امنیتی اوستیای جنوبی و شمالی با بحران‌های سیاسی و منازعات هویتی روبه‌رو شود، در آن شرایط خط جدال جدیدی ایجاد می‌شود که قابلیت بحران‌سازی داشته و می‌تواند بازیگران مختلف را درگیر نماید.

از سوی دیگر، باید به این موضوع توجه داشت که بحران گرجستان در چارچوب فضای سیاسی امنیتی جدیدی ظهور یافته که می‌تواند جدال‌های امنیتی جدیدی را در روابط آمریکا - روسیه به وجود آورد. تحلیل ژئوپلیتیکی رفتار امنیتی ایران را می‌توان در کنترل جدال‌های

منطقه‌ای و هم‌چنین افزایش سطح ستیزش قدرت‌های بزرگ دانست. به هر میزان که تضادهای امنیتی آمریکا - روسیه شدت یابد به همان میزان امکان مشارکت آنان در برخورد با جمهوری اسلامی ایران کاهش خواهد یافت. (رشاد، ۱۳۸۷: ۳۷-۳۸)

جنگ بین روسیه و گرجستان باعث موضع‌گیری اکثر بازیگران مؤثر منطقه‌ای و جهانی شد. ایران نیز که به عنوان یک بازیگر مؤثر منطقه‌ای در این بحران ذی‌نفع بود به موضع‌گیری‌هایی پرداخت که به نوعی در تناقض با هم بودند.

ایران ابتدا در واکنش نسبت به جنگ بین روسیه و گرجستان، خواستار توقف درگیری‌های نظامی و حل موضوع از طریق مسالمت‌آمیز شد. حسن قشقاوی (سخنگوی وزارت امور خارجه) در این رابطه اظهار داشت: «جمهوری اسلامی ایران از درگیری‌های نظامی در منطقه‌ی اوستیای جنوبی که منجر به خسارت انسانی و کشتار مردم بی دفاع شده است، ابراز نگرانی می‌کند و توقف فوری درگیری‌ها و امدادسانی به مردم آسیب‌دیده را خواستار است». وی هم‌چنین اظهار داشت: «جمهوری اسلامی ایران در چارچوب مواضع و سیاست‌های اصولی خود مبنی بر کمک به برقراری صلح و ثبات در منطقه آماده است برای حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران در اوستیای جنوبی کمک کند». (امیراحمدیان، ۱۳۸۳: ۱۰۰)

جمهوری اسلامی ایران در بحران گرجستان مواضع متناقضی داشت. در حالی که تهران در برخی موضع‌گیری‌ها خواستار حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران گرجستان شده بود، هم محمود احمدی‌نژاد (رئیس جمهوری) و هم منوچهر متکی در اظهارنظرهای مختلف از گرجستان انتقاد کردند.

احمدی‌نژاد در سخنانی در حاشیه نشست شانگهای (که در طی این بحران برگزار شد)، مناقشه‌ی قفقاز را ناشی از دخالت قدرت‌های خارج از منطقه دانسته و گفت: «این دولت گرجستان است که با دادن اجازه‌ی چنین دخالتی به آن دامن زده است». اظهارات رئیس جمهوری اسلامی از سوی پاره‌ای از رسانه‌ها به معنای حمایت ایران از اقدام مسکو علیه گرجستان تعبیر شد، ولی سخنگوی وزارت امور خارجه‌ی ایران روز ۱۱ شهریور ۱۳۸۸ گزارش‌های حاکی از جانبداری تهران از روسیه در قبال بحران جاری قفقاز را تکذیب کرد. با



این حال، منوچهر متکی در اظهارنظر دیگری گفته بود: «تحولات گرجستان باید هشدار و زنگ خطری برای کشورهای منطقه باشد». وی این بحران را ناشی از «محاسبه‌ی اشتباه، تصور غلط از بازخورها و استفاده از زور و نیروی نظامی توسط دولت گرجستان دانسته» و بدون اشاره‌ی مستقیم به حمله‌ی نیروهای روسیه به داخل گرجستان، بیان داشت: «طبیعی است که هر اقدامی، عکس‌العمل خاص خود را دارد».

اظهارات مقام‌های جمهوری اسلامی در انتقاد از گرجستان در حالی صورت گرفت که تهران هیچ انتقادی از اقدام نظامی و حضور سربازان روسیه در گرجستان به عمل نیاورد. (سایت رادیو فردا، ۱۳۸۷/۶/۲۷)

با این حال، آن چه به واسطه‌ی موضع‌گیری‌های برخی مقامات ایرانی در خصوص بحران قفقاز قابل استنباط است درک نکردن موقعیت و شرایط جدید بود، چرا که سرزنش رسمی گرجستان از سوی محمود احمدی‌نژاد (رئیس جمهوری) سبب شد تا ایران با وارد کردن خود به یکی از دو جبهه‌ی موجود مورد مناقشه امکان دستاویز قرار دادن پرونده‌ی هسته‌ای ایران را بدهد و به نوعی با فرصت‌سوزی از قدرت بازیگری تهران در مدیریت پرونده‌ی هسته‌ای ایران بکاهد. این رویکرد تهران انتقادات فراوانی را به همراه داشت، به طوری که صادق خرازی (سفیر سابق ایران در پاریس) نیز با انتقاد از مواضع مقامات ایرانی اعلام کرد: «هنر ما این است که از شرایط استفاده کنیم، نه آنکه بهانه‌ای برای معامله‌ی آمریکا با روسیه شویم». (شیرمحمدی، ۲۰۰۸/۸/۱۷)

اما در برابر این اظهارنظرها مقامات ایرانی پیوسته بر این که نقش مستقل و فعالی در این بحران داشته‌اند اصرار داشتند. قشقای سخنگوی وقت وزارت امور خارجه‌ی ایران در مورد استفاده‌ی روس‌ها از کارت ایران در قضیه‌ی گرجستان گفت: «موضع ما در خصوص مسائل منطقه‌ای روشن است و ما تحولات منطقه‌ای را پیگیر هستیم؛ علی‌الخصوص که قفقاز منطقه‌ی همسایه‌ی ماست». وی ادامه داد: «این‌گونه منازعات و بحران‌ها باید مدیریت شود و بهترین راه فروکش کردن آنها غیر از خویشتن‌داری اتخاذ تدابیر منطقه‌ای است». قشقای هرگونه مداخلات خارجی و فرامنطقه‌ای را عاملی برای پیچیده‌تر شدن اوضاع توصیف کرد که به نفع صلح و ثبات در قفقاز نیست. (جمشیدی، ۸۷/۶/۹) ولی آنچه که واقعیت تحولات قفقاز نشان داد، این بود که ایران به خاطر مسائل متعدد از جمله درگیر بودن در پرونده‌ی هسته‌ای و نیاز به

موضع‌گیری روسیه در جهت منافع ملی ایران محتاطانه عمل می‌کرد؛ نتوانست در حد و اندازه‌های خود ظاهر شود و به اعمال سیاست‌های مستقل بپردازد.

### سیاست‌ها و مواضع آمریکا:

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به وجود آمدن کشورهای جدید و تغییر ساختار نظام بین‌الملل و از بین رفتن نظام دو قطبی که یک طرف آمریکا و کشورهای غربی و لیبرالیستی و طرف دیگر اتحاد جماهیر شوروی و اعمار آن که بیشتر اروپای شرقی را شامل می‌شد و کشورهای کمونیستی بود، آمریکا خود را در جهان یکه‌تاز دید. با از بین رفتن نظام کمونیستی به نظر برخی از پژوهشگران این طور جلوه‌گر شد که نظام سرمایه‌داری و لیبرالیستی پیروز خواهد بود. این عامل باعث شد تا آمریکا و بیشتر کشورهای قدرتمند جهان سعی در پر کردن جای اتحاد جماهیر شوروی در منطقه برآیند.

در میان بازیگران فرامنطقه‌ای، نقش آمریکا از دیگران بارزتر به نظر می‌رسید. (حسن خانی و نصوحیان، ۱۳۸۷: ۳-۹) به طور کلی دولت آمریکا سعی کرده تا از طریق تقویت مکانیسم‌های اقتصادی منطقه، گسترش روند انتقال انرژی از شرق به غرب، کمک برای حل و فصل منازعات، در جهت منافع ملی خود اقدام کند. هدف آن است که بدین وسیله نفوذ ایران و روسیه کاهش یابد و معادلات منطقه‌ای به نحوی شکل گیرند که منافع غرب تأمین شود. (میر ابراهیم صدیق، ۱۳۸۳: ۱۰۳-۱۰۶)

اهداف آمریکا در منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز عبارتند از:

مهار ایدئولوژی اسلام‌گرایی، مهار ایران، جلوگیری از نفوذ بیش از حد روسیه، ارائه‌ی الگویی برای کشورهای منطقه، کنترل ذخایر انرژی، (زارع میلاجردی و بمانا، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۷) یکی از مهم‌ترین اهداف آمریکا جلوگیری از متحد شدن اوراسیا زیر نظر کشور قدرتمند دیگری غیر از آمریکا می‌باشد. تصور بر این است که اگر چنین قدرت واحدی این منطقه را در اختیار بگیرد، توازن قوای جهانی به زیان آمریکا تغییر خواهد کرد.

برخی از سیاست‌های نادرست آمریکا نقش مهمی را در تشویق گرجستان برای آغاز تهاجم خود به اوستیای جنوبی بازی کرد. نخستین عامل، میلیتاریزه کردن گرجستان تحت امر آمریکا بود که احتمالاً به گرجستان جسارت و تهور بخشید تا منازعه بر سر اوستیای جنوبی را به وسیله‌ی ارتش حل و فصل نماید. (سعیدی، ۸۷/۵/۲۷) بدون تردید فاکتور دیگر، تلاش آمریکا برای پیوستن گرجستان به ناتو بود. در واقع گرجستان احساس می‌کرد که با عضویت در ناتو و با توجه به علاقه‌ای که آمریکا به عضویت این کشور در ناتو می‌دهد، گرجستان نقش مهمی در سیاست خارجی آمریکا دارد و اگر درگیری در منطقه صورت گیرد، حتماً از سوی آمریکا مورد حمایت قرار خواهد گرفت. در واقع، حمایت‌های بی‌جای آمریکا از گرجستان به این کشور جرأت و شهامت انجام چنین عملی را داد.

در این بحران لبه‌ی اصطکاک روسیه و اروپا تیز شد و این به نفع آمریکا بود. ایالات متحده با این بحران توانست به اروپا نشان دهد که تلاش‌هایش برای نزدیکی به روسیه فایده‌ای ندارد و نمی‌تواند منافع این اتحادیه را در دراز مدت تأمین کند. در این بحران، آمریکا تلاش کرد تا نگاه‌ها از عراق به سمت گرجستان منحرف شود و با استفاده از همین فرصت، موافقتنامه‌ی امنیتی با عراق را به آسانی و بدون تبلیغات منفی منعقد کند، که این کار نیز عملی نشد. آمریکا حیثیت بین‌المللی روسیه را از بین برد؛ چون روسیه در مقابل بحران به وجود آمده برخورد نظامی داشت، ولی ایالات متحده سعی کرد تا بحران را به صورت سیاسی حل و فصل کند. آمریکا از بحران گرجستان استفاده‌ی زیادی کرد. ایالات متحده با استفاده از این بحران، روسیه هراسی و ترس از غول روسیه را ایجاد کرد. این ترس از روسیه در اروپای شرقی باعث شد تا ایالات متحده بتواند قرارداد استقرار سپر دفاع موشکی در لهستان را بدون هزینه منعقد کند. هزینه‌ی برآورد شده برای این قرارداد حدود بیست میلیارد دلار بود. (مهرورز، ۱۳۸۷)

الگوی رفتاری آمریکا را می‌توان حمایت رسمی و مؤثر از تمامیت ارضی گرجستان دانست. مواضع اتخاذ شده از سوی تمامی مقامات دیپلماتیک، امنیتی و راهبردی آمریکا نیز در چارچوب چنین قاعده‌ای قرار داشته است. به عبارت دیگر، حمایت از گرجستان را می‌توان زمینه‌ساز واکنش شدیدتر این کشور در قبال روسیه دانست. هدف اصلی آمریکایی‌ها آن است

که روسیه را درگیر بحران‌های منطقه‌ای نمایند. اگر چنین روندی تداوم یابد، بخشی از اعتبار و جایگاه بین‌المللی روسیه کاهش یافته و به این ترتیب، آن کشور از موقعیت پایین‌تری جهت چانه‌زنی با آمریکا و کشورهای غربی برخوردار خواهد شد. برخی دیگر از مقامات آمریکایی نیز بر ضرورت تصاعد بحران در برابر روسیه مباردت نمودند.

به این ترتیب، شواهد نشان می‌دهد که نه تنها واکنش روسیه منجر به افزایش شدت بحران گرجستان گردید، بلکه مواضع و اقدامات سیاسی آمریکا نیز عامل تشدید چنین فرآیندی شد. برای مثال دیک چنی، معاون رئیس جمهور آمریکا به میخائیل ساکاشویلی، رئیس جمهور گرجستان گفته است که خشونت روسیه علیه کشورش نباید بی‌جواب بماند و ادامه این وضعیت عواقب جدی برای روابط روسیه با آمریکا در پی خواهد داشت. رابطه‌ی میان دولت آمریکا و دولت روسیه، پیش از آغاز بحران در گرجستان، رو به وخامت بوده است. اما بحران جاری در گرجستان تأکیدی است بر یک واقعیت ساده‌ی ژئواستراتژیک به این معنا که نقش روسیه اهمیت دارد. آمریکایی‌ها تلاش نمودند تا میزان اهمیت نقش روسیه در فرآیند بحران اوستیای جنوبی را کاهش دهند. این امر نشان می‌دهد که روسیه هنوز به عنوان نیروی چالش‌گر در برابر اهداف آمریکا محسوب می‌شود. از سوی دیگر، برخی از مقامات سیاسی ایالات متحده که دارای جایگاه ساختاری می‌باشند، مبادرت به نقد سیاست خارجی و امنیتی روسیه و حمایت از گرجستان نموده‌اند. در بین مقامات آمریکا، مواضع رابرت گیتس وزیر دفاع آن کشور، از تعادل بیشتری برخوردار است. گیتس بیان نمود که لزومی برای حضور نیروهای آمریکا در گرجستان نمی‌بیند. (امیراحمدیان، ۸۷/۶/۲۸)

هر یک از رهبران و مقامات اجرایی آمریکا در برخورد با اقدام روسیه در حوزه‌ی اوستیای جنوبی واکنش‌هایی به نشان دادند. رئیس جمهور آمریکا هشدار داد که: «دامه‌ی اشغال خاک گرجستان به موقعیت روسیه در جهان لطمه می‌زند». وی افزود: «دولت روسیه باید بین رعایت آتش‌بس و انزوای بین‌المللی یکی را انتخاب کند. ایالات متحده در کنار دولت گرجستان که با رأی دموکراتیک مردم انتخاب شده، ایستاده است و بر احترام به حق حاکمیت و تمامیت ارضی این کشور تأکید دارد».

تبیین موارد یاد شده نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها از الگوی بیلاردی برای محدودسازی روسیه و مقابله با آن کشور استفاده نمودند. به عبارت دیگر، می‌توان شرایطی را مورد ملاحظه قرار داد که فشار تبلیغاتی، سیاسی و دیپلماتیک ایالات متحده با ادبیات مختلفی مطرح گردیده است. در چنین فضایی آنان اقدام روسیه را به عنوان بخشی از دفاع مشروع مورد توجه قرار ندادند، بلکه آن را به عنوان اقدامی در جهت مقابله با دولت و حکومت گرجستان تفسیر نموده و روسیه را به تغییر الگوهای رفتاری خود تشویق نمودند. (افسانه رشاد، ۱۳۸۷: ۳۱-۳۳) به این ترتیب، می‌توان مواضع آمریکا در برابر روسیه را به طور مختصر این گونه بیان کرد که: در تاریخ ۹ اوت (یک روز بعد از آغاز درگیری) بوش در پکن اعلام کرد: «گرجستان کشور مستقل است و تمامیت ارضی آن باید محترم شمرده شود. ما معتقد به توقف هرگونه خشونت و معلق نمودن عملیات نظامی می‌باشیم و از روسیه می‌خواهیم که بمباران‌ها را متوقف نماید». مشابه چنین موضع‌گیری در بیانیه‌ی خانم رایس نیز آمده است. در ۱۰ اوت معاون مشاور امنیت ملی آمریکا، «جیمز جفری» به روسیه اخطار داد: «ادامه‌ی تحرکات غیرمتناسب آن کشور می‌تواند اثرات درازمدت بر روابط فی‌مابین داشته باشد». در بعد از ظهر همان روز معاون وزارت خارجه‌ی آمریکا، «ماتیو برای‌زا» برای حمایت از اقدامات میانجی‌گرایانه‌ی فرانسه عازم تفلیس شد. در همین روز دیک چنی بعد از مذاکره‌ی تلفنی با ساکاشویلی، بیانیه‌ای صادر کرد مبنی بر اینکه: «تجاوز روسیه نباید بدون جواب باقی بماند و ادامه‌ی تجاوز تبعات جدی برای روابط روسیه و آمریکا و حتی در ابعادی وسیع‌تر در سطح بین‌المللی خواهد داشت». در همین روز آمریکا ۲۰۰۰ سرباز گرجی مستقر در عراق را به گرجستان منتقل نمود، امری که مورد انتقاد شدید پوتین قرار گرفت. بوش در ۱۱ اوت موضع محکم‌تری اتخاذ کرد و ابراز داشت که در تاریخ ۸ اوت به پوتین در پکن گفته است که: «این خشونت قابل قبول نیست». خانم رایس در ۱۲ اوت از پیشرفت مذاکرات فرانسه با روسیه برای توقف درگیری ابراز رضایت نمود. بوش در ۱۳ اوت اعلام کرد روسیه باید صدماتی را که به روابطش با آمریکا وارد کرده است با توقف عملیات نظامی و عقب‌نشینی نیروها ترمیم کند. مواضع بعدی آمریکا به طور کلی حالت تهدیدآمیز برای روابط آمریکا و روسیه دارد. (ملائک، ۱۳۸۷/۱۰/۲) در واقع، آمریکا در تمام

مدت درگیری به حمایت از گرجستان و محکوم کردن اقدامات روسیه پرداخت. اما این حمایت آمریکا از حمایت لفظی و دیپلماتیک فراتر نرفت و آمریکا به این خاطر که این منطقه حوزه‌ی نفوذ سنتی روسیه بود و هم به دلیل درگیری‌اش در افغانستان و عراق، و هم چنین نزدیکی زمان انتخابات ریاست جمهوری و رقابت‌های دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات برای کسب قدرت، در واقع به نوعی بلا تکلیفی در عرصه‌ی سیاست خارجی آمریکا، مانع از ایفای نقش فعال آمریکا در این بحران شد.

#### نتیجه‌گیری:

در جریان جنگ روسیه و گرجستان، روسیه بیشتر توانست به اهداف راهبردی خویش نایل گردد. در واقع، مجموعه‌ای از عوامل زمینه‌ساز موفقیت بیشتر روسیه شد. برای بیان دلایل این امر باید به این مسأله اشاره کرد که این منطقه حوزه‌ی نفوذ سنتی روسیه است و روسیه هیچ‌گاه اجازه نخواهد داد که اداره‌ی مناطقی که به حیاط خلوت روسیه شهرت دارد، از دست این کشور خارج شود. بنابراین، در رابطه با نقش استراتژیک قفقاز در بقای فدراسیون روسیه باید گفت که قفقاز شمالی که پیوستگی عمیقی با قفقاز جنوبی دارد، در جنوب روسیه واقع شده و هرگونه تحول غیرمترقبه در قفقاز شمالی، مساوی با خدشه‌دار شدن تمامیت ارضی این کشور قلمداد می‌گردد. به خصوص اگر در نظر بگیریم که در فدراسیون روسیه نیز بیش از ۱۰۰ قوم زندگی می‌کنند و ۲۱ منطقه و جمهوری خودمختار روسیه عمدتاً بر اساس مرزبندی قومی، شکل گرفته‌اند. واکنش خشن روس‌ها به گرایش استقلال‌طلبانه‌ی چین نشأت گرفته از همین نگرانی روسیه است. جنبه‌ی بقای روسیه صرفاً به امکان گسستن پیوند اقوام مختلف در قفقاز بر نمی‌گردد. قفقاز تنها کانال ارتباطی جدی روسیه با دریاهای آزاد و بالطبع شاهراه تنفس استراتژیک روسیه است. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۲۶-۱۳۰)

روسیه نیز به رغم مشکلات مختلف اقتصادی، قومی و سیاسی، بنا به دلایل ذیل علایق و انگیزه‌های فراوانی در حفظ و نفوذ خود در قفقاز دارد که عبارتند از:

- کنترل خیزش‌های قومی \_ مذهبی و جلوگیری از گسترش آن به داخل روسیه جهت حفظ امنیت داخلی و تمامیت ارضی کشور؛
  - دفاع از سرزمین روسیه در مقابل حملات احتمالی قدرت‌های جهانی از سوی جنوب؛
  - جلوگیری از اعمال نفوذ سیاسی کشورهای همسایه آسیایی؛
  - حفظ منافع اقتصادی از طریق دسترسی به بنادر و راه‌های ارتباطی؛
  - جلوگیری از خشونت‌های قومی به منظور حمایت از اتباع و دیگر اقوام هم‌نژاد خود؛
  - ممانعت از دسترسی قدرت‌های خارجی به مناطقی که ممکن است از آنجا برای تهدید علیه روسیه استفاده شود؛
  - حفظ پایگاه‌های مهم نظامی حتی در صورت خروج نظامی روسیه از منطقه؛ (جلالی، ۱۳۷۳: ۱۱۵)
- به طور کلی می‌توان گفت که دولت روسیه هنوز قدرت مسلط منطقه‌ای است و توان آن را دارد که بنا بر اقتضای منافع سیاسی خود تحولات جاری را به نفع خویش تحت‌الشعاع قرار دهد. حوادث چچن و واکنش نظامی روسیه در قبال گرایش استقلال‌طلبانه در جمهوری گرجستان، نشان می‌دهد که در منطقه‌ی قفقاز مسائل امنیتی و ثبات سیاسی بیش از هر مسأله و موضوع دیگری تعیین کننده می‌باشد. روسیه مهم‌ترین بازیگر در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی در قفقاز می‌باشد و حرکت‌های روسیه، سرنوشت کلی منطقه را از خود متأثر می‌سازد. (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۱۶)
- تمامی مناطق خودمختار و جمهوری‌های سه‌گانه‌ی مستقل قفقاز یعنی آذربایجان، ارمنستان و گرجستان از برداشت‌ها و رفتار امنیتی روسیه تأثیر می‌پذیرد و زندگی اقتصادی این جمهوری‌ها را نمی‌توان خارج از عنصر حضور نظامی و امنیتی روسیه مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. قفقاز برای روسیه به حدی حیاتی است که می‌توان در یک تحلیل اندام‌وار، آن را به «قلب استراتژیک» این کشور تشبیه نمود. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۲۶-۱۲۸)
- در کنار حوزه‌ی نفوذ سنتی بودن قفقاز برای روسیه، عزم راسخ روسیه در پیگیری اهداف خویش را نیز می‌توان یکی از عوامل مهم در موفقیت بیشتر روسیه در پیگیری منافعش در جریان درگیری با گرجستان دانست. به دنبال فروپاشی شوروی منابع و ظرفیت‌های «قدرت بزرگ» روسیه به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت و این کشور بخش زیادی از نفوذ ژئوپولیتیکی،

جایگاه سیاسی، قدرت اقتصادی و توانمندی‌های نظامی خود را از دست داد و خود را در وضعیت ژئوپولیتیکی جدیدی می‌دید که باید از ادعای یک کشور «یوروآسیایی» که نیروی متوازن‌کننده‌ی شرق و غرب بود، دست می‌کشید. پوتین از ابتدای به دست گرفتن قدرت دستیابی به جایگاهی بایسته در معادلات جهانی و بازیابی موقعیت «قدرت بزرگ» را هدف اصلی دولت خود اعلام و با اتکا به رویکردی واقع‌بینانه توانست روند صعودی منزلت‌یابی این کشور در سلسله‌ی ترتیبات نظام جهانی را به طور نسبی تحقق بخشد. تأکید روسیه در این دوره بر ضرورت باز توزیع قدرت و تلاش آن برای مکان‌یابی مناسب‌تر در ساختار نظام بین‌الملل، باعث برانگیخته شدن نگرانی آمریکا از امکان تغییر ساختار نظام بین‌الملل و تضعیف موقعیت برتر خود در آن شد و این مسأله با ایجاد بستر بروز رفتارهای سلبی از سوی آمریکا دور جدیدی از تنش در روابط روسیه و این کشور را سبب شد. (نوری، ۸۷/۵/۲۸)

از منظر پوتین و سایر دولتمردان روسی نظام تک‌قطبی موجود وضعیتی موقت و ناپایدار بود که با وقوع تحولات و ائتلاف‌های جدید درون سیستمی و ظهور مراکز جدید قدرت از جمله اروپای واحد، چین، هند و روسیه اساس آن به چالش کشیده و دیری نمی‌گذشت که موازنه‌ی قدرت به شکلی جدید در عرصه‌ی روابط بین‌الملل برقرار می‌شد، اما تا شکل‌گیری نظم جدید، نظم حاکم «تک‌قطبی متکثر» و یا «شکل متعادلی از تک‌قطبی» بود. آنها با درک این مهم که در عرصه‌ی بین‌الملل ضعف موجب نفوذپذیری می‌شود، کشور ضعیف نسبت به تهدیدها آسیب‌پذیر و کشور قوی قادر به ایجاد توازن در برابر تهدیدهاست، موضع‌گیری‌های منفعلانه (و بعضاً مصالحه‌جویانه) روسیه در دهه‌ی ۷۰. ش (۹۰. م) و سال‌های ابتدایی هزاره‌ی جدید در قبال تحولات بین‌المللی را ناشی از همین منطق و واقعیت ضعف آن در ابعاد مختلف می‌دانستند. بر همین اساس، دولت پوتین دستیابی روسیه به توان بایسته در فرآیندهای رقابت جهانی و بازیابی جایگاه آن به عنوان یک «قدرت بزرگ» را از ابتدای تشکیل، همواره به عنوان یک اصل اساسی مطمح نظر داشت. (عابدی، ۱۳۸۷)

سیاست‌سازان کرملین با درک این مهم که قدرت واقعی در فضای جدید بین‌الملل چند بعدی است، ضمن تلاش برای تقویت هم‌زمان مؤلفه‌های «سخت» و «نرم» قدرت روسیه، بر



تبدیل این کشور به یک «قدرت بزرگ» که از منظر آنها کشوری با اقتصادی قدرتمند و پیشرفته، جامعه‌ای پویا، مستقل و متنفذ در عرصه‌ی بین‌الملل و بازیگر جهانی بود، تأکید کردند. (غلامی، ۲۰۰۸)

نگاهی به تحولات عرصه‌ی بین‌الملل به ویژه بررسی تعاملات روسیه با جهان خارج، حاکی از یک حقیقت انکارناپذیر است و آن اینکه روسیه سعی می‌کند به ایفای نقشی فعال‌تر در عرصه‌ی بین‌الملل بپردازد و آمریکا این مسأله را به هیچ وجه بر نمی‌تابد. (عالمی، ۱۳/۱۲/۱۳۸۶) روسیه به عنوان قدرتی بزرگ، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، با رفتار تحقیرآمیز غرب رو به رو شد و چنین برخوردی را شایسته‌ی منزلت خود ندید. روسیه که انتظار داشت با او هم‌چون یک بازیگر نیرومند بین‌المللی رفتار شود، رفته رفته حلقه‌ی محاصره‌ی غرب را در چارچوب روندهایی چون کشیده شدن دامنه‌ی ناتو به خاور، راه افتادن انقلاب‌های رنگی در پیرامونش و به قدرت رسیدن دولت‌های غرب‌گرا در گرجستان و اوکراین تنگ‌تر یافت و سرانجام پی‌برد که هدف نهایی غرب فرسودن روسیه و چه بسا تجزیه‌ی این کشور است. مسکو نمی‌تواند ادعای آمریکا را مبنی بر اینکه هدف از طرح استقرار سپر موشکی در اروپای خاوری، رویارویی با کشورهایی چون ایران و کره شمالی است بپذیرد و آن را تهدیدی استراتژیک نسبت به خود می‌داند. بدین سان، حمله‌ی نیروهای گرجستان به اوستیای جنوبی، فرصتی برای روسیه فراهم آورد تا خشم خود را به رفتارهای غرب نشان دهد و اراده‌ی خود را مبنی بر شناساندن روسیه به عنوان یک قطب قدرت، به رخ همگان بکشد. (امیراحمدیان، ۱۳۸۷: ۶۳-۶۵) روسیه به خوبی آگاه است که برای رسیدن به هدف‌های راهبردی خود باید جایگاه و ارزش خود را با نمایش قدرت به رخ حریفان بکشد. پس ایستادگی روسیه در بحران اوستیا و در برابر طرح سپر موشکی، نشان‌دهنده‌ی خواست مسکو به داشتن نقشی قاعده‌ساز \_ نه پیرو قواعد تعریف شده از سوی دیگران \_ است. از سوی دیگر، یکی از اصول بازدارندگی کارآمد در برابر توسعه‌طلبی غرب، نشان دادن عزم راسخ در اتخاذ مواضع است که روس‌ها در بحران اوستیا و در مخالفت با طرح سپر موشکی آن را به خوبی به نمایش گذاشتند. روسیه توانست در راستای سیاست‌های راهبردی تازه‌ی

خود (پدید آوردن توازن استراتژیک) با تکیه بر نیروی نظامی، روند گسترش ناتو به سوی خاور را کند، کند. از سوی دیگر، جنگ قفقاز فرصتی برای روسیه فراهم آورد تا هژمونی مسکو را در این منطقه‌ی استراتژیک تثبیت نماید؛ زیرا از دید غرب، مهار کردن روسیه در گسترده‌ی جهانی در گرو جلوگیری از هژمونی آن در قفقاز و آسیای مرکزی است تا هم از دامنه‌ی جاه‌طلبی‌های فرامنطقه‌ای روسیه کاسته شود و هم جایگاه ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و حتی ژئواکونومیک روسیه تضعیف گردد. منطقه‌ی قفقاز در واقع دروازه‌ی اصلی روسیه برای تعامل با جهان شمرده می‌شود، به گونه‌ای که بسته شدن این دروازه، هم‌چون بسته شدن درهای اقتصادی، سیاسی و استراتژیک بر روی روسیه است. (سراج، ۱۳۸۷/۷/۱۷)

نکته‌ای که گرجستان از آن ناآگاه بود، این بود که دست غرب در حمایت از گرجستان چندان باز نیست و آمریکا و اروپا گزینه‌ها و اختیارات محدودی برای مقابله با روسیه در این منطقه دارند که در جنگ اخیر نیز به خوبی این ضعف غرب آشکار شد. تنها کاری که آمریکا انجام داد چند هشدار و انتقاد علیه روسیه بود و اقدام عملی واشنگتن نیز منحصر شد به لغو مانور مشترک نظامی با روسیه. (پیرپیران، ۱۳۸۷) اما در اروپا واکنش‌ها منفعلانه‌تر از آمریکا بود و در حالی که برخی کشورهای اروپایی از جمله لهستان، لتونی، استونی، لیتوانی، دانمارک و سوئد، روس‌ها را مورد انتقاد شدید قرار دادند، ولی کشورهای دیگر از جمله آلمان و فرانسه برخوردی متفاوت داشتند. آلمان گرجستان را به سبب آغاز جنگ به شدت مورد شماتت قرار داد و فرانسوی‌ها نیز با دست‌پاچگی برای آتش‌بس و جمع و جور کردن اوضاع به تکاپو افتادند. به همین لحاظ در اروپا یک دو دستگی در قبال رویارویی با جنگ گرجستان و روسیه آشکار گردید. در واقع، مسکو توانست پیام خود را به غرب که همانا لزوم تجدیدنظر در استراتژی پیشروی به سوی مرزهای روسیه است، به غربی‌ها برساند و در واقع، غرب را تحقیر کند که از این منظر یک پیروزی سیاسی و نظامی برای روسیه تلقی می‌شود. (مهرورز، ۱۳۸۷)

در واقع، دول غربی و دولت‌های منطقه‌ای و جهانی همه به حمایت لفظی از گرجستان بسنده کردند و هیچ کشوری جرأت برخورد جدی با روسیه را از خود بروز نداد و بدین ترتیب، بدیهی بود که گرجستان بدون یاور در برابر روسیه قدرتمند چاره‌ای جز تسلیم نداشت.

و این روسیه بود که توانست بدون مخالفت جدی به اهداف خویش نائل آید. از سوی دیگر، دولت‌های منطقه‌ای نیز یا به دلیل ترس سنتی از روسیه و یا به این دلیل که مشاهده کردند در مقابل اقدام روسیه در عرصه‌ی جهانی اقدامی جدی و عملی به عمل نیامد، از برخورد با روسیه کناره‌گیری کردند و در واقع، به طور ضمنی به تأیید اقدامات مسکو پرداختند. از موارد تأثیرگذار در موفقیت روسیه داشتن حق و تو در شورای امنیت بود. شورای امنیت سازمان ملل از آغاز ماجرا تقریباً هر روز جلسه‌ی رسمی و غیر رسمی در این خصوص داشته است (۵ جلسه تشکیل شد). در این جلسات روسیه و چین در یک طرف و بقیه‌ی کشورها به نفع آمریکا موضع‌گیری کرده‌اند. رد و بدل کردن اتهامات و مواضع مخالف و محکوم نمودن شفاهی یکدیگر در بیشتر این جلسات اجازه نداده است که شورا بتواند کار چندانی از پیش ببرد. البته نباید از نظر دور داشت که به خاطر حق و توی روسیه هیچ‌گونه قطعنامه‌ای صادر نشد. نماینده‌ی روسیه، جلسات شورای امنیت را تلف کردن وقت خواند و مواضع اتخاذ شده از سوی غرب و ناتو را نامربوط قلمداد کرد. بدین وسیله، روسیه توانست مانع از این شود که شورای امنیت بتواند رأیی بر علیه‌اش صادر کند و در این بحران شورای امنیت از ایفای نقش فعال باز ماند و در جلساتی که برگزار شد، همگی بدون دستیابی به نتیجه‌ای پایان یافت. در مجموع می‌توان گفت که: «اقدام نظامی روسیه در گرجستان نشان داد که آن کشور این بار موازنه‌ی قدرت را نه در سیاست تنش‌زدایی که در سیاست تقابل و واکنش نظامی می‌بیند. اقدام روسیه نشان داد که این کشور تصمیم دارد انتقام خود را از تحقیر تاریخی دهه‌ی ۹۰ تهاجم سخت‌افزاری غرب به مرزهای دور و نزدیک روس‌ها از اروپای شرقی تا آسیای میانه در کنار مداخلات نرم‌افزاری (انقلاب نارنجی اوکراین و انقلاب مخملین گرجستان) روسیه را در وضعیت تحقیرآمیزی قرار داده بود، اما صبر روسیه در برابر فشارهای مضاعف نرم‌افزاری و سخت‌افزاری غرب لبریز شد و در مسأله‌ی گرجستان خود را به شکل جدید به نمایش گذاشت». (مهدوی، ۸۷/۶۱)

به نظر می‌رسد روسیه در این بحران به هر آنچه می‌خواست تقریباً دست یافت. از یک سو دو منطقه‌ی شبه خودمختار خود را به دست آورد و از سوی دیگر نشان داد که غرب

ناتوان از متوقف کردن این کشور است. رهبران روسیه در حال ارسال این پیام برای غرب می‌باشند که آنها بازگشته‌اند و تمایل دارند برای حفظ و تأمین منافع و امنیت ملی خود ایستادگی نمایند و غرب هم گزینه‌های چندانی ندارد. جمهوری‌های سابق شوروی نیز از این پس دقیق‌تر در خصوص نحوه‌ی تعامل با روسیه فکر و بررسی خواهند کرد. روسیه نه تنها چیزی را از دست نداد، بلکه اثبات نمود که اگر به این کشور شانس داده شود از آن استفاده خواهد کرد. تحت شرایط حاضر غرب ابزار و اهرم چندانی علیه روسیه ندارد و حتی به روس‌ها به واسطه‌ی موضوعاتی مانند ایران، نفت و گاز نیز نیاز دارد. این درگیری نشان داد که روسیه در منطقه حرف اول را می‌زند و غرب نیازمند بازنگری و باز تعریفی از روابط و چگونگی تعامل خود با روسیه می‌باشد. درواقع، با توجه به واکنش صریح و تند روسیه از این به بعد باید شاهد تحول در روابط میان قدرت‌های بزرگ بود.

## منابع

### کتاب‌ها:

- ۱- افشردی، محمد حسین، (۱۳۸۱)، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ.
- ۲- امیراحمدیان، بهرام، (۱۳۷۷)، جغرافیای گرجستان، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- ۳- امیراحمدیان، بهرام، (۱۳۷۶)، جغرافیای قفقاز، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- ۴- اولگا، آلیکر، (۱۳۸۲)، گسل‌های منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، مترجمان: محمودرضا گلشن‌پژوه، عباس کاردان، حسن سعید کلاهی خیابان، تهران: موسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۵- تقوی اصل، عطا، (۱۳۸۴)، ژئوپلیتیک جدید ایران: از قزاقستان تا گرجستان، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۶- حاتمی، تورج، (۱۳۸۲)، برخورد منافع روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز، چاپ اول، تهران: انتشارات خوزرن.
- ۷- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد، (۱۳۸۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتوی تحولات منطقه‌ای (۲۰۰۱-۱۹۹۱)، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۸- حسین‌پور، اکرم و دیگران، (۱۳۷۳)، ماهیت تحولات در آسیای میانه و قفقاز، چاپ اول، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۹- رنجبر، مقصود، (۱۳۸۷)، ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۰- شیخ‌عطار، علیرضا، (۱۳۷۱)، ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: وزارت امور خارجه مؤسسه چاپ و انتشارات.
- ۱۱- صدیق، میرابراهیم، (۱۳۸۳)، روابط ایران با جمهوری‌های قفقاز از سال ۱۹۹۱ تاکنون، تهران: دادگستر.
- ۱۲- فلاحت‌پیشه، حشمت‌الله، (۱۳۸۰)، تحولات امنیتی آسیای مرکزی و قفقاز و امنیت ملی ایران، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، معاونت پژوهش.
- ۱۳- کاظمی، احمد، (۱۳۸۴)، امنیت در قفقاز جنوبی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

- ۱۴- کولایی، الهه، (۱۳۸۴)، بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی: زمینه‌ها و چشم‌اندازها، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۵- کولایی، الهه، (۱۳۷۶)، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۱۶- کولایی، الهه، (۱۳۷۲)، اتحاد شوروی از تکوین تا فروپاشی، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۷- مرادی، منوچهر، (۱۳۸۵)، چشم‌انداز همکاری ایران و اتحادیه اروپا در تأمین ثبات و امنیت در قفقاز جنوبی؛ حدود و امکانات، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۸- معظمی گودرزی، پروین، (۱۳۷۸)، گرجستان، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۹- معظمی گودرزی، پروین، (۱۳۸۳)، همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز (یازدهمین: ۱۳۸۲: تهران) مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز: امنیت در قفقاز جنوبی (برگزار کننده)، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۲۰- واعظی، محمود، (۱۳۸۶)، ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان‌ها و بازیگران)، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۲۱- هاشمی، غلام رضا، (۱۳۸۴)، امنیت در قفقاز جنوبی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.

#### مقالات:

- ۲۲- امید، علی، (۱۳۸۷)، «ابعاد بین‌المللی بحران گرجستان و آثار آن بر منافع ملی ایران»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲، سال بیست و دوم.
- ۲۳- امید، علی، (۱۳۸۸)، «علل تطویل بحران داخلی در گرجستان پس از انقلاب رز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۶.
- ۲۴- امیراحمدیان، بهرام، (۱۳۸۷)، «نقش روسیه و آمریکا در بحران قفقاز»، ماهنامه تحولات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز (ایراس)، شماره بیستم.
- ۲۵- امیراحمدیان، بهرام، (۱۳۸۷)، «بحران گرجستان: طرف‌های درگیر، علت‌ها و پیامدها (بخش دوم)»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۵۳-۲۵۴.
- ۲۶- امیراحمدیان، بهرام، (۱۳۸۷)، «بحران گرجستان: طرف‌های درگیر، علت‌ها و پیامدها»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲، سال بیست و دوم.
- ۲۷- امیراحمدیان، بهرام، (۱۳۸۷)، «جنگ قفقاز: یازدهم سپتامبر روسیه»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۳.
- ۲۸- امیراحمدیان، بهرام، (۱۳۸۳)، «تحولات گرجستان در صحنه ژئوپلیتیک قفقاز»، آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۱۲، شماره ۴۵.
- ۲۹- امیراحمدیان، بهرام، (۱۳۷۷)، «ایران و قفقاز»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۶-۱۳۵.
- ۳۰- امیراحمدیان، بهرام، (۱۳۸۳)، «تحولات گرجستان در صحنه ژئوپلیتیک قفقاز»، آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۱۲، شماره ۴۵.
- ۳۱- باقر نعمتی زرگران، علی، (۱۳۸۱)، «بررسی ریشه‌های اختلاف فدراسیون روسیه و جمهوری گرجستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۹.
- ۳۲- بهمن، شعیب، (۱۳۸۷)، «شرق و غرب در سیاست خارجی روسیه»، ماهنامه تحولات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز (ایراس)، سال بیستم.

- ۳۳- بیات، کاوه، (۱۳۸۷)، «جنگ گرجستان و تأثیر آن در بازگشت روسیه جدید به روسیه کهن»، نشریه گفتگو، شماره ۵۲.
- ۳۴- پیریان، رضا، (۱۳۸۷)، «نزاع بین روسیه و گرجستان و امنیت انرژی در اروپا»، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۲۲۶.
- ۳۵- جلالی، محمدرضا، (۱۳۷۳)، «قفقاز و آسیای مرکزی: ورود به صحنه و ترکیب‌بندی مجدد فضای ژئواستراتژیک»، ترجمه رویادراتی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶.
- ۳۶- حسن‌خانی، محمد، نصوحیان، محمدمهدی، (۱۳۸۷)، «تلقی سیاست خارجی آمریکا از قفقاز پس از تحولات ۱۱ سپتامبر»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۲.
- ۳۷- رشاد، افسانه، (۱۳۸۷)، «تصادد بحران در گرجستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال ششم، شماره ۶۲.
- ۳۸- زارع میلاجردی، پروانه، بمانا، میترا، (۱۳۸۸)، «ریشه‌ها و ابعاد رویارویی آمریکا و روسیه در قفقاز»، ماهنامه تحولات روسیه و آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۲.
- ۳۹- سجادی‌پور، سیدمحمدکاظم، (۱۳۷۳)، «روسیه و قفقاز: اقتصاد، ملاحظات امنیتی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸.
- ۴۰- سجادی‌پور، سیدمحمدکاظم، (۱۳۸۷)، «پیامدهای بحران گرجستان در روابط آمریکا و روسیه»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۲۸ و ۲۹.
- ۴۱- عابدی، مهدی، (۱۳۸۷)، «اوراسیا و باز تولید عقلانی جنگ سرد (جابجایی در پارادایم منازعه)»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۳.
- ۴۲- کوزه‌گر کالجی، ولی، (۱۳۸۷)، «نگاهی به بحران اوستیای جنوبی و هجوم روسیه به گرجستان (بخش دوم)»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۵۳-۲۵۴.
- ۴۳- کوزه‌گر کالجی، ولی، (۱۳۸۷)، «نگاهی به بحران اوستیای جنوبی و هجوم روسیه به گرجستان»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲، سال بیست و دوم.
- ۴۴- کوهکن، علی‌رضا، (۱۳۸۷)، «بحران گرجستان و قدرت‌های حاضر در منطقه»، نشریه راهبرد یاس، شماره ۱۵.
- ۴۵- کیانی، داوود، خارقانی، سید شمس‌الدین، (۱۳۸۷)، «روسیه و اروپا در سایه بحران گرجستان»، نشریه گزارش راهبردی.
- ۴۶- مهرورز، آسیه، (۱۳۸۷)، «مناقشه قفقاز: نبرد در گستره‌ای کوچک؛ امتیازگیری از صحنه‌ای بزرگ»، نمای راهبردی، سال ششم، شماره نهم.
- ۴۷- نائیبیان، جلیل، (۱۳۸۷)، «روسیه و گرجستان بحران‌های دایمی»، فصلنامه تحقیقی مطالعاتی مؤسسه فرهنگی آران، سال ششم، شماره ۱۵ و ۱۶.

#### روزنامه‌ها:

- ۴۸- امیراحمدیان، بهرام، «قفقاز؛ مناقشه بدون راه حل»، روزنامه اعتماد، سال هفتم، شماره ۱۷۷۰، ۸۷/۶/۲۳.
- ۴۹- جمشیدی، مریم، «حمایت از موضع روسیه و هزینه‌های آن»، روزنامه اعتماد، ۸۷/۶/۹.
- ۵۰- حسین‌زاده، حمید، «عبرت از گرجستان»، روزنامه رسالت، ۸۷/۶/۱۲.
- ۵۱- روزنامه اعتماد، «نبرد روسیه و گرجستان به لاهه کشیده شد»، ۸۷/۶/۱۹.
- ۵۲- روزنامه جوان، «نقش روسیه و آمریکا در بحران قفقاز»، ۸۷/۷/۲.
- ۵۳- روزنامه اعتماد، «نبرد لفظی شدید سران آمریکا و روسیه»، ۸۷/۶/۳۰.
- ۵۴- روزنامه حیات نو، «استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی: توسط شورای فدراسیون روسیه به رسمیت شناخته شد»، ۸۷/۶/ ۲۸.

- ۵۵- روزنامه اعتماد، «باید روی روسیه حساب باز کنید»، ۸۷/۶/۱۷.
- ۵۶- روزنامه ایران، «تحولات قفقاز و ترتیبات امنیتی»، شماره ۲۸۶۹، ۱۳۸۳/۵/۱۱.
- ۵۷- روزنامه اعتماد ملی، «سفر سارکوزی به مسکو و تفلیس برای حل و فصل بحران قفقاز»، ۱۹ شهریور ۱۳۸۷.
- ۵۸- روزنامه اعتماد، «مدودف: حمله به گرجستان تصمیم شخصی من بود»، نسخه شماره ۱۸۵۳، ۸۷/۱۰/۷.
- ۵۹- روزنامه اعتماد، «بررسی تأثیر جنگ گرجستان بر تحولات منطقه»، ۸۷/۵/۳۱.
- ۶۰- روزنامه ایران، «جنگ در گرجستان متوقف نمی‌شود»، گفت و گوی ایران با دکتر پیر باشال، متخصص ژئوپلیتیک آسیا، ۸۷/۵/۲۸.
- ۶۱- ساکاشویلی، میخائیل، «ناگفته‌های جنگ روسیه و گرجستان»، ترجمه سعیده سادات قهری، روزنامه حیات نو، شماره ۱۹۶۳، ۸۷/۹/۱۶.
- ۶۲- سعیدی، سارا، «ایالات متحده در مقام انتخاب روسیه و یا گرجستان»، اعتماد ملی، شماره ۶۵۳۵۱، ۸۷/۵/۲۷.
- ۶۳- صمدی، مهین، «سه نگاه جهان غرب به بحران قفقاز»، روزنامه ایران، ۸۷/۶/۶.
- ۶۴- مجتهدزاده، پیروز، روزنامه ایران، شماره ۱۷۱۵، چهارشنبه ۲۱ دی ۱۳۷۹.
- منابع اینترنتی:**
- ۶۵- امیراحمدیان، بهرام، «نقش روسیه و آمریکا در بحران قفقاز»، نشریه الکترونیکی ایراس، مؤسسه مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، ۸۷/۶/۲۸، [www.iras.ir](http://www.iras.ir)
- ۶۶- «اوستیای جنوبی مروری بر یک بحران»، خبرگزاری فارس، ۸۷/۵/۲۴، [www.farsnews.ir](http://www.farsnews.ir)
- ۶۷- بهمن، شعیب، «از یک شاخه گل سرخ تا اشغال اوستیای جنوبی»، سایت ایراس، ۱۳۸۷/۶/۷، [www.iras.ir](http://www.iras.ir)
- ۶۸- بهمن، شعیب، «روسیه و گرجستان، بحران‌های دایمی»، ایراس، مؤسسه مطالعات روسیه آسیای مرکزی و قفقازی، ۲۰۰۸/۴/۲۹، [www.iras.ir](http://www.iras.ir)
- ۶۹- «پیامدهای تهاجم روسیه به گرجستان»، وبلاگ ایران نوین، [www.irannoveen@googlegmail.com](mailto:www.irannoveen@googlegmail.com) ۱۳۸۷/۶/۱۳.
- ۷۰- «جنگ گرجستان به روایت ساکاشویلی»، ۸۷/۹/۱۸، [www.ebtekarnews.com](http://www.ebtekarnews.com)
- ۷۱- رحمت، بهاره، «ریشه‌ها و پیامدهای جنگ در گرجستان»، بانک مقالات فارسی ۸۷/۷/۲۱، [www.article.oxinads.com](http://www.article.oxinads.com)
- ۷۲- رحمت، بهاره، «ریشه‌ها و پیامدهای جنگ در گرجستان»، ۱۳۸۷/۱۱/۱۴، [www.irandiplomacy.com](http://www.irandiplomacy.com)
- ۷۳- سراج، رضا، «بررسی ریشه‌ها و پیامدهای جنگ در قفقاز»، خبرگزاری فارس، ۸۷/۷/۱۷، [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com)
- ۷۴- «متکی فاش کرد: ردپای رژیم صهیونیستی و آمریکا در بحران گرجستان. سیاست امروز»، ۱۳۸۷/۶/۱۱، [www.Yadi2004.persianblog.ir](http://www.Yadi2004.persianblog.ir)
- ۷۵- شیرمحمدی، طاهر، «پیامدهای جنگ قفقاز برای ایران»، ۲۰۰۸/۸/۱۷، [www.de-world.de](http://www.de-world.de)
- ۷۶- صمدی، مهین، «درس‌های جنگ قفقاز برای کشورهای منطقه»، سایت ایراس، ۸۷/۶/۱۲، [www.iras.ir](http://www.iras.ir)
- ۷۷- صمدی، مهین، «دورنمای عضویت گرجستان در ناتو»، نشریه الکترونیکی ایراس، ۸۷/۶/۱۵، [www.iras.ir](http://www.iras.ir)
- ۷۸- صمدی، مهین، «گرجستان پروژه‌ای آمریکایی»، نشریه الکترونیکی ایراس، ۸۷/۶/۲۴، [www.iras.ir](http://www.iras.ir)
- ۷۹- عالمی، حمزه، «روسیه و غرب مناقشات رو به افزایش»، سایت‌های خبری بصیرت، ۱۳۸۶/۱۲/۱۳، <http://basirat.ir>



- ۸۰- غلامی، بنفشه، «پیامدهای جنگ روسیه و گرجستان آغاز جنگ سرد»، سایت پاتوق یو، ۲۶ آگوست ۲۰۰۸.  
[www.patoghu.com](http://www.patoghu.com)
- ۸۱- «قشقاوی: ایران در بحران قفقاز جانبداری نمی‌کند». خبر گذاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷/۶/۱۱  
[www.khabarfarsi.com](http://www.khabarfarsi.com)
- ۸۲- مافی، کتایون، «طرح ۳+۳ ایران برای حل بحران قفقاز»، ۱۳۸۷/۷/۳. [www.jamejamonline.com](http://www.jamejamonline.com)
- ۸۳- «متکی فاش کرد: ردپای رژیم صهیونیستی و آمریکا در بحران گرجستان». سیاست امروز، ۱۳۸۷/۶/۱۱.  
[www.Yadi2004.persianblog.ir](http://www.Yadi2004.persianblog.ir)
- ۸۴- «متکی: ایران در بحران گرجستان میانجی‌گری نمی‌کند». رادیو فردا ۱۳۸۷/۶/۲۷. [www.Kargaremrooze.Com](http://www.Kargaremrooze.Com)
- ۸۵- ملائک، سیدمحمدحسین. «پیامدهای بحران گرجستان برای جمهوری اسلامی ایران»، ۱۳۸۷/۱۰/۵. [www.csr.ir](http://www.csr.ir)
- ۸۶- مهدوی، بی نام، «مناقشه اوستیا: ضرورت پذیرش جایگاه جدید روسیه از سوی غرب»، خبرگزاری مهر، ۸۷/۶/۱  
[www.mehrnews.com](http://www.mehrnews.com)
- ۸۷- نوری، علیرضا، «تقویت جایگاه روسیه در عرصه جهانی و تنش با آمریکا»، سایت ایراس،  
[www.iras.ir](http://www.iras.ir) ۸۷/۱۰/۲۵
- ۸۸- نوری، علیرضا، «اهداف روسیه در ورود به جنگ در اوستیای جنوبی»، سایت ایراس، [www.iras.ir](http://www.iras.ir) ۸۷/۵/۲۸
- ۸۹- نوری زاد، امین، «ریشه‌ها و علت‌های بحران گرجستان»، ۸۷/۱۱/۱. [www.Nourizad.com](http://www.Nourizad.com)
- ۹۰- وکیلی، محمدعلی، «پایان بازی موش و گربه‌ای و شروع دوران جدید موازنه قدرت»، نسخه شماره ۱۲۶۹، سال پنجم، ۸۷/۵/۲۸. [www.ebtekarnews.com](http://www.ebtekarnews.com)
- ۹۱- هاشمی، غلامرضا، «امنیت در قفقاز جنوبی»، کتابخانه دیجیتالی دید، ۸۷/۳/۱۶. [www.Did.ir](http://www.Did.ir)

